

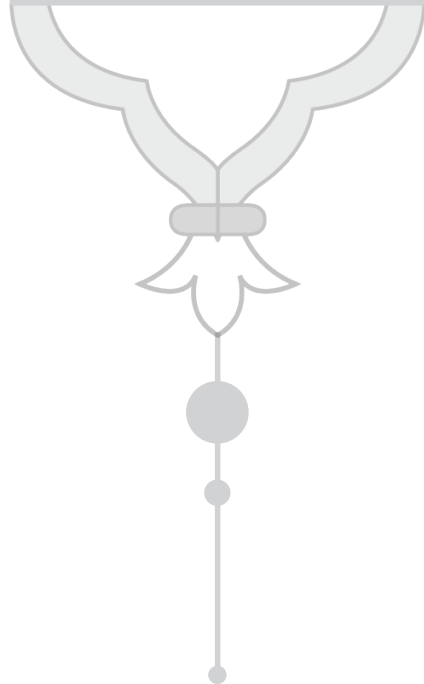


تقدیم بہ آستانِ پُر مہرِ مولا و مقتدا ایمان
حضرت ولی عصر عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف

بچسے ما آسمان



سی گفتار سادہ پیرامون وقف



بخششی تا آسمان

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

قطع: رقعی

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم/پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲، مجتمع فرهنگی پژوهشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۴۳۱-۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۳۱-۰۲۵

غیر قابل فروش

پیشگفتار

«وقف»، یکی از مصادیق والای نیکوکاری، نوع دوستی و دیگرخواهی است که بشر با استفاده از آموزه‌های انبیا، آن را از دیرباز به وجود آورده و در صحنه حیات اجتماعی به امانت گذاشته است. هدف ارزش‌های اسلامی این است که انسان، امکانات و توانایی‌های خود را در کارهای خیر، خدمت به بشریت و بخشش و انفاق در راه خدا به کار گیرد و همین موضوع باعث شده تا در جامعه اسلامی بسیاری از مردم، بخش زیادی از دارایی‌های خود را در راه خدا و اهدافی پسندیده «وقف» کنند. به همین علت «وقف» یکی از نیکی‌های بزرگ و عظیم است که از نظر اخلاقی، بارزترین تجلی روحیه تعاون اجتماعی و پیشی گرفتن در نیکی‌ها است.

همچنین رفع بسیاری از نیازمندی‌های مستمندان و گشوده شدن بسیاری از گره‌های اقتصادی، با سنت زیبا و حسنه «وقف»، امکان پذیر است.



«وقف»، یکی از نشانه‌های بارز اهتمام به امور مسلمانان است و برای آنان که درصدد کسب نیکی‌ها و جلب رضایت خداوند هستند، بزرگ‌ترین و معتبرترین توشه برای آخرت به شمار می‌آید. به راستی که وجود انگیزه الهی و ثمرات معنوی دنبال آن، بزرگ‌ترین مزیت در امر «وقف» است که آن را از دیگر موارد مشابه متمایز می‌کند.

«وقف»، ثروت و دارایی‌های انسان را مانند چشمه‌ای همیشه جوشان می‌کند که هرگز از جوشش باز نمی‌ایستد و برای همیشه، خیر و برکت را بر بستر زمان و اجتماع جاری می‌سازد و صاحب خویش را از بهره‌های عظیم معنوی برخوردار می‌کند. در احکام اسلامی، «وقف» عملی است که به خاطر مصالح خلق، رضایت پروردگار و بدون منت به دیگران واگذار شود.

در این راستا معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه کتاب بخششی تا آسمان را به قلم مولف گرانقدر حجت الاسلام و المسلمین آقای ژولیده تهیه و به چاپ رسانده و دوام توفیقات ایشان را از خداوند سبحان مسئلت دارد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه





۹	مقدمه.....
۱۱	گفتار اول: راه عروج.....
۱۳	گفتار دوم: بخششی تا آسمان.....
۱۷	گفتار سوم: بهترین کار.....
۲۱	گفتار چهارم: مستمری فراتر از عُمر.....
۲۵	گفتار پنجم: بهترین تجارت.....
۲۹	گفتار ششم: راه سعادت.....
۳۳	گفتار هفتم: خزانه داران بهشت.....
۳۹	گفتار هشتم: برای مقابله با جنگ اقتصادی.....
۴۱	گفتار نهم: یک کار، چند نتیجه، چندین پاداش.....
۴۵	گفتار دهم: سرمایه گذاری در بانک خدا.....
۴۹	گفتار یازدهم: سنگ محک.....
۵۳	گفتار دوازدهم: کیسه نان زمین مانده مولا را برداریم!.....
۵۷	گفتار سیزدهم: راهی برای محبت به خدا.....
۶۱	گفتار چهاردهم: دیه ماندگار.....
۶۵	گفتار پانزدهم: محبوبترین بنا.....





- گفتار شانزدهم: راه یاری نمودن امام حسین علیه السلام..... ۶۹
- گفتار هفدهم: برای سربازان مولا..... ۷۵
- گفتار هجدهم: محکم ترین دژ..... ۸۱
- گفتار نوزدهم: بدهکاران شهدا بسم الله!..... ۸۵
- گفتار بیستم: همسان شهادت..... ۸۹
- گفتار بیست و یکم: هدیه ای برای تمام اموات..... ۹۳
- گفتار بیست و دوم: بعد از خداپرستی..... ۹۷
- گفتار بیست و سوم: در انتظار ظهور..... ۱۰۱
- گفتار بیست و چهارم: لبیک با رسول الله..... ۱۰۷
- گفتار بیست و پنجم: فراتر از سنگر..... ۱۱۱
- گفتار بیست و ششم: تیر وقف در قلب استکبار..... ۱۱۵
- گفتار بیست و هفتم: همه می توانند..... ۱۱۹
- گفتار بیست و هشتم: سهام نیکوکاری..... ۱۲۳
- گفتار بیست و نهم: ما و خیانت به حضرت دوست، هیئات!..... ۱۲۷
- گفتار سی ام: شکم هایی پر از آتش..... ۱۳۱





مقدمه

شرح اقتدا

امام یعنی پیشوا، یعنی سرمشق. یعنی الگویی برای زندگی سعادت‌مندان. از این رو هر که می‌خواهد در دنیا و آخرت زندگی سعادت‌مندانه‌ای داشته باشد باید در تمام حرکات و حالات به امام خود اقتدا کند. اقتدای به اهل بیت علیهم السلام نیز هر چه استوارتر و دقیق‌تر باشد، بهره بیشتری از سعادت نصیب انسان می‌شود.

یکی از اموری که آن بزرگواران و کریمان بدان اهتمام و توجه فراوانی داشتند، مسئله وقف بود. تا آنجا که امیر مومنان و مولای متقیان علی علیه السلام خود را به سختی‌های طاقت‌فرسایی وا می‌داشت و در تابستان‌های گرم حجاز به حفر چاه می‌پرداخت و درست در همان لحظه که تلاشش به ثمر می‌نشست، هنوز عرق جبینش خشک نشده، آن را وقف می‌کرد. آن هم در زمانی که چاه آب یکی از پرارزش‌ترین دارایی‌ها به حساب می‌آمد.



حال که اینگونه است ما نیز باید به امام خود اقتدا نموده و هر کس در حد وسع خویش به هر شکلی که می تواند به این امر بپردازد. آنکه ملک و دارایی دارد با وقف، آنکه از نعمت سخنوری بهره مند است با بیان، و آنکه خداوند توفیق خدمت در دستگاه وقف را که در واقع خدمت در دستگاه اهل بیت علیهم السلام است، نصیب او نموده، با پاسداری امینانه از وقف، به ترویج این سنت بپردازد. از این رو این بنده ناچیز بر آن شد تا با شیوه ای متفاوت و عامیانه، به مسئله وقف پرداخته و گامی هرچند کوچک، در راستای ترویج این سنت حسنه بردارد. در این نوشتار که مشتمل بر سی گفتار ساده در باب وقف است، سعی گردیده مباحث آن به گونه ای تدوین شود که هر کدام موضوعی جداگانه بوده و به شیوه ای باشد که بتوان از مباحث آن در سخنرانی ها و ارائه راهکارهای متفاوت ترویج سنت زیبای وقف، برای اقشار مختلف مردم استفاده شود. به امید آن که مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته و ره توشه ای برای مبلغین گرامی و ترویج کنندگان این فرهنگ غنی بوده و مورد توجه و استفاده ایشان واقع شود.

در پایان بر خود لازم می دانم که از زحمات دوست و برادر گرامی، جناب آقای سلمان روحی که ضمن قبول زحمت ویرایش، با نظرات و راهنمایی های خود کمک های فراوانی به تدوین این کتاب نمودند، تقدیر و تشکر نموده و از خداوند سلامت و سعادت ایشان را مسئلت نمایم.

والسلام علی من اتبع الهدی

حسین زولبیده

اسفند ۹۱



گفتار اول:

دیباچه

راه عروج

اگر لحظه‌ای سر از خاک برگیری و به آسمان دل ببندی، گوشه‌ای از زیبایی جمع واقفان را نشانت می‌دهند. آن وقت واله و شیدا خواهی شد. جا دارد که دیگر میلی به ماندن نداشته باشی. تنها همان نیم‌نگاه بس است تا دل از انسان برآید و او را بی‌قرار رفتن کند. لذتی عجیب دارد تماشای آن صحنه که خوبان عالم همه جمعند و مولای خویش را چون نگین در بر گرفته و جمالش را نظاره‌گرند. چه لذتی می‌برند این خیل مستان که اینگونه گرد مقتدایشان جمع گشته‌اند.

تماشای این صحنه هر صاحب‌دلی را بی‌قرار می‌کند. می‌خواهی بال بگشایی و بی‌درنگ خود را به خیل مستان برسانی. اما از کجا باید شروع کرد؟ از کدام قلّه باید به پرواز درآمد؟ کدامین سکوی پرش تو را به آن افق شورانگیز می‌رساند؟



آن رندان مست از کدامین سبو جرعه نوشیده‌اند که گرداگرد چنین نگینی حلقه زده‌اند؟ بین حلقه و نگین باید تناسب و شباهتی باشد تا در کنار هم جمع گردند. اگر نگین خیل واقفان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است - که تمام وجود خویش را وقف اسلام کرد - چرا حلقه‌نشینان کوی دوست چنین نباشند؟! آری، وقف راه اتصال به حلقه واقفانی است که نگینش مولای متقیان است.

وقف، سکوی عروجی است که ویژگی ماندگاری‌اش، توانی به انسان می‌بخشد که تا ملکوت پیش رود. دوام آثار و پاداشش مدام، به مدد واقف می‌آید تا اوج و عروجش را به کمال برساند.

ثمره وقف دوبال است که در عوض چشم بستن و چشم دوختن، به واقف می‌دهند یکی به خاطر چشم بستن از دنیا و دیگری به خاطر چشم دوختن به عقبی. از یک سو باید از زنجیرهای تعلق آزاد گردی تا سبکبال شوی و از دیگر سو باید هدفی داشته باشی تا سرگردان نشوی. وقتی تعلقات مادی را از پای طلب بگشایی و تنها چشم به رضا و عطای محبوب بدوزی، پر پروازت می‌دهند تا به آسمان‌ها عروج کنی و جمال یار را به تماشا بنشینی و آنجا دو رکعت عشق به مولای واقفان امام علی علیه السلام اقتدا کنی. و چه شیرین است این اقتدا.

راه این وصال را نیز برای همه مشتاقان گشوده‌اند تا هر کس به فراخور موقعیت، شغل، توان و درآمد خود بتواند دست به دامان مولا نهد. پس هر که می‌خواهد بیاید بسم الله، همراه شود تا شاید راهی و بهانه‌ای برای واقف شدن، در این صفحات بیابد و نیت و جهتی را برگزیند.



گفتار دوم:

بخششی تا آسمان

معرفت عامل شوق و اشتیاق است. شناخت پایه و لازمه انتخاب است. تا معرفت و شناخت نباشد، نه تمایل و اشتیاقی پیدا می شود و نه انتخاب درست و عاقلانه ای. از این رو برای ایجاد شوق به انجام کاری باید آن کار به خوبی شناخته شود. در میان کارها و اعمالی که باید نسبت به آن شناخت پیدا نمود، وقف است که یکی از پرفضیلت ترین اعمال صالح و از آن کارهای اساسی است که باید به آن بیش از پیش پرداخته شود، تا شناخت فضیلت ها، آثار و درک راز و رمز آن برای همگان حاصل و اشتیاق لازم جهت رسیدن به قلّه پرافتخار وقف، مهیا گردد. از این رو، وقف را می توان اینگونه معنا کرد که:



وقف یعنی؛ انسان بخشی از دارایی اش را برای خودش نگه دارد و از سود آن، تا قیامت استفاده کند. همه اموال و دارایی خود را برای کسانی که خیلی زود فراموشش می کنند جا نگذارد، بلکه قسمتی از آن را با وقف نمودن، حبس کند تا بتواند برای همیشه از دسترنج و نتیجه کار و تلاش خود استفاده کند.

وقف یعنی، اینکه انسان مالش را ثابت و پایدار نگه دارد تا گذشت زمان آن را از بین نبرد و برای همیشه باقی بماند تا برای دیگری که دوستشان دارد هزینه و خرج شود.

وقف یعنی اینکه انسان، انسانیت خودش را در چهاردیواری مدت عمر زندانی نکند. کاری کند تا پرونده اعمال خیرش پس از مردنش هم باز باشد. دیوار محدودیت را از کار نیک خود بردارد، و آن را محدود به زمان زندگی اش در این دنیا نکند، عمل صالح خود را تا قیامت امتداد دهد. وقف یعنی اینکه انسان پس از مرگ هم از مال و دارایی خود استفاده کند. وقف راهی است برای اینکه انسان از دارایی خود جدا نشده و ارتباطش با دنیایی که ساخته قطع نگردد. وقف یعنی اینکه انسان دنیا را به آخرت وصل کند. ۱

وقف یعنی انسان در کاری سرمایه گذاری کند که سودش چندین برابر اصل سرمایه است و لحظه به لحظه و آن به آن، به حساب واقف واریز می شود. بازگشت اصل و سود سرمایه را هم خداوند مهربان خودش تضمین نموده و فرموده: ما عندکم ینفد و ما عندالله باق. ۲

وقف یعنی اینکه انسان فکر و عقلش را بیشتر از جسم و بدن خود دوست داشته باشد. یعنی اینکه کاری کند که حتی بعد از فنا شدن بدنش، فکر و اندیشه اش برای همیشه ماندگار شود. یکی خدمت به

دین راه، دیگری عزاداری برای سیدالشهدا راه، آن یکی یتیم نوازی و آن دیگری مداوای نیازمندان را. هر کس هر کاری را دوست دارد برای انجام آن و ماندگار کردنش بخشی از اموالش را برای آن کار وقف کند.

وقف یعنی؛ انسان در برزخ هم دستش خالی نباشد. در آنجا که هر کس به نحوی گرفتار است، لحظه به لحظه از اموالی که در دنیا به وسیله وقف برای خود کنار گذاشته استفاده کند، مصالح و لوازم اولیه آباد نمودن آخرتش را تهیه و پله های دنیا را تا بهشت بسازد.

وقف یعنی؛ ایثار، یعنی از خودگذشتگی، یعنی دیگران را بر خود ترجیح دادن، مخلوقات خدا را بیش از خود دوست داشتن و به فکر آنها بودن. احساس مسئولیت در مقابل آیندگان داشتن. از انحصار خود خارج شدن. خودخواهی را کنار گذاشتن.

وقف بخششی تا آسمان است. ایثاری است فراتر از زمین و زمان. پلی است از زمین خاکی تا آسمان بی کران رحمت حق. نردبانی برای وصول به آسمانیان و ملکوتیان است.

وقف یعنی؛ پس اندازی برای روزهای تنهایی، همراهی برای ایام بی کسی، آذوقه ای برای لحظات درماندگی، چراغی در تاریکی، چشمه زلال آبی در کویر تشنگی.

وقف یعنی؛ محدود نبودن در این دنیا، خود را فراتر از زمان دیدن، یعنی به جای هفتاد سال، هفت میلیون سال و بیشتر، از دنیا استفاده کردن. وقف یعنی؛ اینکه انسان خود را فراتر و بالاتر از این بدن مادی ببیند. خود را محدود به چند کیلو گوشت و پوست و استخوان بدن نکند. از این رو عمل صالح و کار خیر را در زمان زندگی و حیات خود محدود نکند.

وقف یعنی؛ توسعه دادن عمل خیر خود از اطرافیان و نسل هم عصر،



و کشاندن چشمه کار نیک خود، برای نسل های آینده. وقف یعنی چشمه ای همیشه جاری.
وقف یعنی؛ تمرین رها شدن از زنجیر تعلقات مادی و وصل شدن به خزانة دائمی رحمت الهی.

پی نوشت ها:

۱- لَيْسَ يَتَّبِعَ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَهُ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرَى بَعْدَ مَوْتِهِ، وَ سُنَّه هُدًى سَنَّهَا فَهِيَ يُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ أَوْ وُلِدَ صَالِحٌ يَدْعُوهُ
امام صادق(علیه السلام) : آدمی پس از مرگش ثوابی نمی برد مگر از سه خصلت، صدقه ای که در زمان حیاتش جاری کرده باشد و بعد از مرگش هم چنان در جریان باشد، سنت نیکویی که بنا نهاده و پس از مرگش طایق آن عمل شود و فرزند نیکویی که برایش دعا کند.

۲- سوره نحل - آیه ۹۶





گفتار سوم:

بهترین کار

هر انسان با ایمانی کار نیک و خوب را دوست دارد. دلش می خواهد تا آنجا که از دستش بر می آید پرونده اعمال خود را مملو از کارهای خوب کند. دوست دارد بهترین کارها را انجام دهد تا پیش خدا و اولیاء الهی روسفید باشد.

مصدق های کار خوب هم که زیاد است. اما کدام یک را باید انجام داد؟ در این فرصت محدود زندگی بهتر است به چه کاری مشغول شد؟ بهترین و مفیدترین کارها کدامند؟

عاقلاًنه آن است که کاری را که خدای مهربان بیشتر دوست دارد انتخاب شود.



برای اینکه بدانیم کدام کار را خدای مهربان بیشتر دوست دارد، از پیامبر محبوب خدا صلی الله علیه و آله که شهر علم و دانایی است و علمش متصل به علم خداوند است بپرسیم و در پاسخ بشنویم که فرمود:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ
محبوبترین کارها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر است، اگر چه اندک باشد.

اکنون که دانستیم خدای مهربانمان کار جاودانه و ماندگار را بیشتر دوست دارد باید به سراغ آن رفت تا با تمام وجود آن را انجام داد و عاشقانه تقدیم ساحت مقدسش نمود.

در میان کارهایی که دوام دارند نیز، باید مفیدترین و محبوبترین آنها را انتخاب کرد. چون هرچه ثمره دائمی آن بیشتر باشد، محبوبیتش پیش پروردگار مهربان بیشتر است. در واقع از بین بهترینها بهترین را انتخاب کردن هنر عاشقی است.

باید دید کدام کار دوامش بیشتر از باقی کارها است. باید به این نکته توجه نمود که هر کار خوبی که انسان در پی انجام آن است، تا یک زمان محدودی می تواند آن را انجام دهد تا کوله بار حسنات و کارهای خیرش سنگین تر شود. نهایتاً تا آخر عمر بتواند آن را انجام دهد و بدان مشغول باشد. اما پایان عمر و انتهای فرصت زندگی، هم محدود است و هم نا مشخص. هیچکس نمی داند تا کی زنده است و زمان رفتنش کی فرا می رسد. لذا معلوم نیست انسان چه مقدار فرصت داشته باشد تا کارهای خوب خود را ادامه دهد. از این رو انتخاب بهترین کار باید هوشمندانه و با زیرکی بیشتری همراه باشد.

در میان بهترین کارها، «وقف» یکی از بهترینهاست. چرا که یکی از

ماندگارترین و بادوام ترین کارهاست. عملی است که وابسته به زمان محدود عمر و زندگی نیست. انجامش لحظه ای است اما نتیجه و اثرش ابدی. پاداش وقف، مقطعی نیست. واقف چه زنده باشد و چه نباشد در حال انجام کار خیر و حسنه است. وقف می تواند کوله بار واقف را لحظه به لحظه تا قیام قیامت سنگین تر کند. وقف، روز به روز و لحظه به لحظه حسنه و کار نیک است از این جهت واقف هر لحظه و هر آن در حال انجام عمل صالح است.

خیلی از کارها فضیلت و پاداش فراوانی دارند. مثلا اکرام ایتم، اطعام گرسنگان، مراسم عزاداری، تامین هزینه های مسجد، کمک به کارهای علمی، کمک به معالجه بیماران و... اما زمان انجام هر کدام از این کارها محدود است و افرادی هم که از کار خیر بهره مند می شوند محدودند. اما خاصیت وقف این است که دیوار این محدودیت ها را می شکند و از بین می برد. از سویی، عمل صالح می تواند تا ابد امتداد پیدا کند. از سوی دیگر، محدودیت افرادی هم که از آن عمل صالح بهره مند می گردند از بین می رود و از زمان حال فراتر رفته و آیندگان را نیز منتفع می کند. اگر کسی به جای اطعام یک نفر، یک شهر یا یک زمان، موقوفه ای برای اطعام گرسنگان ایجاد نماید، می تواند از پاداش اطعام محرومین تا قیامت بهره مند گردد. اطعامی که به یک یا چند نفر و در زمانی خاص محدود نمی شود.

از این جهت است که وقف با چرخ زمان حرکت می کند و هرچه زمان جلو می رود او را همراهی می کند و رنگ و بوی کارنیک و عمل صالح واقف را به مشام آیندگان نیز می رساند. برای همین است که واقف در تاریخ شریک است و همراه.





گفتار چهارم:

مستمری فراتر از عُمر

معمولا دریافت حقوق و مزایای بازنشستگی یکی از زمینه های اصلی و تاثیرگذار در انتخاب شغل است. از این رو بسیاری از افراد دنبال استخدام در مراکزی هستند که این ویژگی را داشته باشد. فکر و شرط عاقلانه ای هم هست. توقع به جایی است که انسان آینده خود را از هم اکنون ببیند و برایش کاری کند. کسی که عُمری تلاش کرده توقع دارد که در دوران پیری و گرفتاری از محصول جوانی اش استفاده کند. اتفاقا دین اسلام نیز این کار را تأیید و سفارش می کند. سیره اهل بیت علیهم السلام نیز دلیل بر تأیید این کار بوده است.



از سوی دیگر خیلی‌ها مجبور می‌شوند برای کار و درآمد به شهرهای دیگر مهاجرت کنند. اما هیچکس تمام درآمد و سرمایه‌اش را در محل کارش هزینه نمی‌کند. بلکه به مقدار کفایت استفاده نموده و باقی آن را برای خرج و مخارج زندگی، سرمایه‌گذاری و خرید و ساخت خانه در شهر و دیار خود، کنار می‌گذارد.

کسی که چند صباحی در شهری زندگی می‌کند، یا چند روزی در مسافرخانه‌ای رحل اقامت افکنده است، باید به فکر بازگشت خود باشد. باید کاری کند که پس از بازگشت به وطن اصلی خویش تهی دست و محتاج نگردد. عاقل کسی است که تمام سرمایه و درآمد خود را منحصر در دیار غربت نکند. آینده خود را ببیند و برایش فکری کند و چاره‌ای بیندیشد. باید به گونه‌ای کار کند که پس از اتمام دوره خدمت و کار و بازگشت به شهر خود از حقوق و مزایای کارهایی که انجام داده استفاده و بهره‌مند شود.

در مقابل، چه بدبخت و دیوانه است آنکه تمام هستی خود را خرج منزل اجاره‌ای و مسافرخانه‌ای اقامت چند روزه‌اش نموده و برای بازگشت به وطنش چاره‌ای نیندیشیده است. چه حسرتی می‌خورد آنکه جوانی و عمرش را در کاری سپری کرده که در دوران از کارافتادگی‌اش جز درد و خستگی چیزی برایش نمانده باشد.

نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این است که باید افق دید را توسعه داد. باید فراتر از زمان مادی را دید. انسان موجودی دو بُعدی است. روحی دارد و جسمی. جسم انسان اگرچه پیر است و پس از چندین مرگ را در آغوش می‌گیرد اما روح انسان که نابود شدنی نیست. آنچه که من انسان را تشکیل می‌دهد همان روح آدمی است که با مرگ از بین

نمی رود. چرا که مرگ نیست و نابود شدن نیست، انتقال است. انتقال از دیاری به دیار دیگر. از مسافرخانه ای به منزلی ابدی و دائمی. دنیا برای انسان همانند کارخانه ای است که مجبور است در آن کار کند. عده ای به دستمزد بخور و نمیری که می گیرند راضی اند و به فردایی که انتظارشان را می کشند نه فکر می کنند و نه کاری انجام می دهند. اما عده ای نیز عاقلانه دوردست ها را نیز می بینند و برایش برنامه ریزی می کنند. زندگی شان را طوری تنظیم می کنند که در این دنیا و در آن سرای جاودان خوشبخت و سعادتمند باشند.

به یک چشم بر هم زدنی نیز، هنگام بازگشت به وطن و سرای باقی فرا می رسد. آنجاست که همه حسرت می خورند.

عافل و زرنگ کسی است که در آنجا نیز از دستمزدش بهره مند شود. بتواند مدام از مزرعه عمرش، خوشه های حسنات را برچیند. در دنیا کاری انجام داده باشد تا در آنجا که محل بازنشستگی دائمی اش است از حقوق و مزایای ویژه آن کار بهره برد. اما چه کاری چنین ویژگی و خصوصیتی دارد؟ چه عملی است که نتیجه اش تا قیامت امتداد پیدا می کند؟ پاسخش وقف است.

وقف عملی است که نتیجه اش می تواند تا ابد ادامه یابد و واقف را تا قیامت بهره مند گرداند.

وقف یک کارخانه تولیدی است که چرخ آن تا قیامت از گردش باز نخواهد ایستاد و کوله بار حسنات واقف را از سود و مزایای خود، سنگین تر خواهد نمود.

وقف نوعی بیمه عمر و پس انداز عمر است که انسان می تواند با وقف نمودن بخشی از دارایی خود، تا ابد از مستمري آن بهره گیرد.



وقف پس اندازی برای روزهای از کار افتادگی جسم و بازنشستگی روح و روان از کار و عمل است. حقوق ثابتی است که روح آدمی تا روز حساب از آن استفاده می کند تا توان بیشتری برای پیمودن راه وصول به بهشت پیدا کند.





گفتار پنجم:

بهترین تجارت

سر که نقد همیشه از حلوای نسیه بهتر نیست. گاهی ضرر است و گاهی هم دیوانگی. گاهی نیز بهانه افرادی است که نمی خواهند رشد کنند و به مراتب بالاتر برسند.

باورش سخت است. در خیال هم نمی شود تصور کرد. سود محض و خالص است. کسی هست که تجارت با او بهترین و پرسودترین تجارت است! در مقابل یک خانه پنجاه متری، یک باغ چندهکتاری در بهترین مکان، آنهم با تمام امکانات می دهد. به محض اینکه خانه ای کوچک به او بدهند، سند ویلایی مجلل را با تمام امکانات در عوض اهداء می کند.



سرمایه گذاری عجیبی است. شاید قابل تصور نباشد که کسی پیدا شود که بتوان با او اینگونه معامله نمود. اما او غنی مطلق است. بی نیاز از همه چیز و همه کس. هرچه هم که ببخشد از ثروتش کم نمی شود. برای همین دنبال سود خودش نیست. میخواهد دیگران به نان و نوایی برسند.

اصلا هرچه خریدار مقام و منزلتش بالاتر باشد انسان بیشتر به فروش کالایش میل پیدا می کند. وقتی شخصیت بزرگی پیشنهاد خرید بدهد و بخواهد کالایی را به قیمتی فوق تصور بخرد، هیچ انسان عاقلی درنگ نمی کند. بی هیچ تعللی پای قرارداد می رود و کالایش را تسلیم خریدار میکند. مثلا تصور کنید امام حسین علیه السلام بخواهد ملکی را از کسی خریداری کند، هر کسی که ملکی دارد مشتاقانه می آید و از مولایمان خواهش می کند که او را قابل بداند و ملکش را حتی بدون عوض قبول کند. اکنون اگر خدای حسین علیه السلام خریدار باشد چه حالی پیدا می شود!!!

فرصت را نباید از دست داد. بهترین خریدار عالم، خداوند مهربان دعوت نامه فرستاده است. همان که بخشنده ترین و مهربانترین است و اگر کسی با او تجارت کند چندین برابر آنچه که فکر می کند استحقاق آن را دارد، به او می دهد.

خودش فرموده: ان الله اشتری من المومنین اموالهم و انفسهم بان لهم الجنة؛ ۱ مال و جان ناقابل را که خودش به انسان داده می خورد و در مقابل بهشت را می دهد. بهشتی که فراتر از آنچه در خیال انسان بگنجد، در آن پیدا می شود.

یکی از راه های این معامله و تجارت پرسود وقف است. با وقف یک

خانه می توان بهشت خرید. در وقف هم فروش مال به خدا وجود دارد هم فروش جان. واقف از سوئی با وقف، مالش را به خدا می فروشد و از سوی دیگر با عبور از خودخواهی و رسیدن به خداخواهی، و جایگزین کردن خشنودی خدا و خلق به جای خشنودی خودش، جان خود را به خداوند مهربان می فروشد. البته وقف یک ویژگی بهتری هم که دارد این است که این تجارت لحظه به لحظه و آن به آن است. چون وقف یک نوع حساب در گردش است، واقف هر لحظه با خدا در حال تجارت است و در نتیجه پاداشش نیز ابدی است.





گفتار ششم:

راه سعادت

همه انسان ها دنبال سعادت هستند. در مسیر زندگی نیز راه های مختلفی فراروی انسان قرار دارد که نوید خوشبختی را سر می دهند. اما کدام راه می تواند انسان را از باتلاق ها و کویرهای خشک و سوزان به سوی باغ و بستان های آباد و خرم هدایت کند؟ باید آن راه را شناخت و به گرفتاران بلا نشان داد تا همگان جان خود و عزیزانشان را برداند و از آن مسیر، خود را به نیک بختی برسانند. به راستی راه رسیدن به خوشبختی چیست؟ در بین مسیرهای پیش رو، کدام راه و کدام بیراهه است؟



بهتر است پاسخ را از امام رئوف و مهربان، امام رضا علیه السلام بشنویم که فرمود: هدایت را جز از قرآن مجویید که گمراه خواهید شد. ۱
 قرآن، راه فرار از کویر گناه و غفلت است. پناهگاهی است که انسان را از شر شیطان و حيله هایش محافظت می کند. هر که میخواهد خود و عزیزانش را از منجلاب دنیا نجات دهد باید به قرآن پناه ببرد. سودمندترین گفتار و شفای سینه هاست. ۲. قرآن، راهی است که رهرو را به گمراهی نمی کشاند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: قرآن، علم آینده است و حدیث گذشته، درمان درد شماسست و راه سامان دادن در آن است. ۳. بهار دل ها و چشمه های دانش در قرآن است و برای قلب و فکر جلایی جز قرآن نتوان یافت. ۴.

خواندن این کتاب تأثیر عجیبی دارد. آنقدر ارزشمند است که باعث می شود خانه ها در زمین همچون ستاره ها درخشان شوند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: با تلاوت قرآن، خانه های تان را روشن کنید، زیرا هرگاه در خانه ای قرآن زیاد تلاوت شود، آن خانه برای اهل آسمان می درخشد؛ همان گونه که ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند. ۵.

قرآن که خود بهترین کلام و گفتار است هر که با او ارتباط داشته باشد بهترین می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد می گیرد و آنرا یاد می دهد. ۶

در قیامت هم وقتی درجات بهشت را به همگان نشان می دهند، آتش اشتیاق رسیدن به جایگاه های رفیع، دل ها را شعله ور می کند. آنجاست که جز عده ای خاص نمی توانند پا را فراتر بگذارند. و آنان کسانی هستند که به آنها گفته می شود قرآن بخوانید و بالا بروید. ۷

البته نباید از این غافل شد که باید از قرائت و خواندن قرآن فراتر رفت. چرا که قرآن تنها برای خواندن نیست. برنامهٔ سعادت و زندگی انسان هاست. قرآن معدن ایمان و چشمه علم است. دریای عمیقی است که کسی قعر آن را نمی داند. ۸. از این رو تا سر حد توان باید آن را فهمید و برنامه ها و دستوراتش را در زندگی فردی و اجتماعی پیاده نمود تا راه سعادت و خوشبختی به روی بشر گشوده شود.

از سوی دیگر اهتمام به قرآن و ترویج فرهنگ قرآن راهی برای تکریم خداوند است. پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس قرآن را بزرگ شمارد و تکریم کند، خدا را تکریم کرده و بزرگ شمرده است. ۹. از این رو هر که میخواهد به خدا خدمتی کند و خادم او شود، راهش خدمت به قرآن است. خادم قرآن شدن توجه خاص و ویژه خدا را شامل حال انسان می کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود: اهل قرآن، اهل خدا و خاصان بارگاه اویند. ۱۰

حال که اینگونه است باید برای ترویج این راه و فرهنگ نجاتبخش تا آنجا که می شود از جان و مال خود، بذل نمود و خدمت کرد. باید قرآن را یاد گرفت، فهمید و به دیگران نیز یاد داد.

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که قرآن کتاب جاودانه است. منحصر به یک زمان نیست برای تمام دوران ها و تمام انسان هاست. پس باید برای خدمت به قرآن، قرآنی عمل نمود. باید کاری جاودانه و ماندگار کرد. باید افق دید را تا ابد توسعه داد. اما چگونه ممکن است کسی بتواند تا ابد خادم قرآن شود و در راه ترویج آن کار و تلاش کند؟ پاسخش وقف است.

وقف راهی برای جاودانگی و ماندگاری است. کسی که برای ترویج



فرهنگ قرآن وقف می کند خدمت به قرآن را با ابدیت پیوند زده و بدین سبب افتخار خادم قرآن بودن را تا ابد نصیب خود کرده است. وقف برای قرآن، انسان را اهل قرآن نموده و باعث می شود در قبر و برزخ، هنگام سوال و جواب از خدا و قرآن و در قیامت، هنگام محاسبه اعمال، به وی به چشم اهل خدا نگریسته شود و در نتیجه از جایگاهی رفیع و بلند مرتبه که مخصوص خاصان درگاه خداوند است بهره مند گردد. کسانی که به سبب وقف مال شخص دیگری، قاری قرآن، حافظ کلام وحی و یا معلم قرآن شوند، همه و همه از خاصان و مقربان درگاه خدایند که با واسطه واقف به این مقام رسیده اند و از این رو چه بهره هایی که واقف خواهد بُرد که فکرش را هم نمی کرد. وقف برای قرآن، در واقع احداث کارخانه تولید خادمین قرآنی است که محصولش تعداد بی شماری قاری، حافظ، مفسر قرآن و... است. و در یک کلام، وقف برای قرآن نشانه عاشقی است. مگر نه اینکه شیرین ترین و دلرباترین کلام برای عاشق، گفتار معشوق است.

پی نوشت ها:

- ۱- توحید صدوق، ص ۲۲۳
- ۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰
- ۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸
- ۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶
- ۵- اصول کافی ج ۲، ص ۶۱۰
- ۶- مستدرک الوسائل ج ۴، ص ۲۳۵
- ۷- جامع احادیث شیعه، ج ۱۵، ص ۱۵
- ۸- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۱
- ۹- جامع احادیث شیعه، ج ۱۵، ص ۷
- ۱۰- مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵



گفتار هفتم:

خزانه‌داران بهشت

این محبت از محبت‌ها جداست

عشق محبوب خدا عشق خداست

چه می‌خواهی که در این خاندان پیدا نشود؟ کدام خوبی در عالم پیدا می‌شود که اصل و ریشه‌اش در این خانواده نباشد؟ این بزرگواران، اهل بیت نبوت و رسالت‌اند، خانه‌های آنها عرصه رفت‌وآمد فرشتگان و مرکز فرود وحی است. طالب رحمت خدا بدانند که آنها معدن رحمت حق‌اند. هر کس بهشت می‌خواهد بیاید که این خانواده خزانه‌دار و کلیددار بهشتند. ریشه‌های جود و کرم در این خانواده است. این بزرگواران سرپرستان نعمتها، درهای ایمان، و امینان خدای رحمان، و چکیده پیامبران هستند.



هر که در پی هدایت است به آنان اقتدا کند که پیشوایان هدایت اند. هر که می خواهد از ظلمات و تاریکی های دنیا نجات یابد، باید به آنان تمسک جوید که چراغهای هدایت، پرچمهای پرهیزگاری، و پناهگاه مردمان هستند.

هر کس می خواهد خدا را بشناسد باید دست توسل به دامن این خانواده بزند که جایگاههای شناخت خدا و معدنهای حکمت و حاملان کتاب خدایند. هر که دنبال خشنودی خدای خویش است باید پیش اهل بیت علیهم السلام زانو بزند که بهترین دعوت کنندگان به سوی حق و بهترین راهنمایان بر خشنودی خدایند که بیشترین محبت به خدا را دارند. این خانواده اهل آسمان اند. خداوند آنها را نورهایی آفرید و گرداگرد عرش خود قرار داد که با آوردنشان به دنیا بر ما منت نهاد. ۱ از این روست که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: اساس اسلام دوست داشتن من و اهل بیت من است. ۲

تأثیر محبت و دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام در ذهن نمی گنجد! ارادت و علاقه به این محبوبان پروردگار که خدا به آنها عشق می ورزد، در دین، دنیا و آخرت انسان اثر می گذارد. دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، باعث پاک شدن گناهان و دوچندان شدن حسنات، جاری شدن چشمه های حکمت بر زبان و تازه شدن ایمان در دل، خوشحالی هنگام مرگ، استواری بر صراط، شفاعت و رهایی از آتش دوزخ می شود.

این همه آثار جای هیچ تعجبی ندارد. چراکه آنان مظهر صفات جمال و جلال الهی اند. در حقیقت، دوست داشتن آنان، محبت به خوبی هایی است که در آنان به نحو کامل تجلی نموده، و منبع همه این

خوبی‌ها خداوند متعال است. پس در حقیقت اظهار محبت و عشق به اهل بیت علیهم السلام اظهار محبت و ارادات به خداوند متعال است. از سوی دیگر از آن جا که محبت، نیرویی است که انسان را به سوی محبوب سوق می‌دهد، پس محبت به خوبان، انسان را به خوبی‌ها سوق می‌دهد.

اما باید به این نکته توجه کرد که صرف ادعا انسان را محب اهل بیت علیهم السلام نمی‌کند. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله علامت روشنی را برای دوستان اهل بیت قرار داد و فرمود: ایمان هیچ بنده‌ای کامل نمی‌شود، مگر مرا از خودش بیشتر دوست بدارد، اهل بیتم از اهلس محبوب تر، و عترتم دوست داشتنی تر از عترتش باشد. ۴

این کلام نورانی پیامبر مهربانمان ملاک واضحی است که هر کس می‌تواند میزان صداقت خود را با آن بسنجد. ببیند چه میزان پیامبر خدا را بیش از خود و چه میزان اهل بیت او را بیش از خانواده خود دوست دارد و ترجیح می‌دهد.

یکی از نشانه‌های ترجیح دادن دیگری بر خود، وقت گذاشتن برای او و بذل مال و خرج دارایی است. اینکه انسان دارایی‌اش را برای خود و خانواده‌اش خرج می‌کند، مایحتاج آنان را تهیه و هرآنچه دوست دارند را برایشان مهیا می‌کند، همه نشان از محبت و علاقه‌ای است که شخص به خود و به خانواده خود دارد.

با این دید، میزان محبت به اهل بیت علیهم السلام به راحتی فهمیده می‌شود. کسی که برای تهیه لوازم مادی زندگی خود و خانواده‌اش به راحتی مایه می‌گذارد و دارایی خود را خرج می‌کند، اما برای یادگیری معارف اهل بیت علیهم السلام وقت نمی‌گذارد و نمی‌تواند بخشی از



دارایی اش را خرج کند چگونه می تواند ادعای محبت آنان را داشته باشد؟

کسی که برای تکریم شخصیت خود، خانواده و فرزندان خود به راحتی از اموالش می گذرد، برای ولادت و یا مراسم های ختم و بزرگداشت آنها خرج می کند اما برای پیامبر خدا و اهل بیتش حاضر نیست ذره ای از مالش را نثار، کند چگونه می تواند داعیه محبت آن بزرگواران را داشته باشد؟

اما آنکه در شادمانی اهل بیت بیش از شادمانی خود و در اندوه آنان بیش از اندوه خود محزون میشود می تواند ادعای دوستی آنان را داشته باشد. آنکه بخشی از وقت، مال و دارایی خود را برای اهل بیت عاشقانه هزینه میکند راست می گوید که آن بزرگواران را دوست دارد.

آری خرج کردن دارایی برای نشر فرهنگ و سیره اهل بیت علیهم السلام نشانه ای است برای اثبات محبت این خاندان مطهر. مگر نه اینکه عاشق می خواهد آوازه حُسن معشوقش همه جا بپیچد. از این رو محب آن بزرگواران می کوشد تا با بذل بخشی از مال خود و نشر معارف، به زنده نگهداشتن یاد و نام آنها بپردازد.

از سوی دیگر علاقه به خانواده و فرزندان باعث می شود تا انسان بخش از دارایی اش را برای آنها به یادگار بگذارد تا حتی پس از مرگش نیز با بجای گذاشتن ارثی از خود به آنها محبت نموده و خیری رسانده باشد. حال کسی که علاقه ی بیشتری به اهل بیت پیامبر دارد، کسی که دغدغه محبت به این خاندان را دارد برای بعد از مرگ خود نیز فکری می کند و برنامه ای می ریزد تا بعد از خودش هم راه ابراز محبت و نشان دادن علاقه اش به اهل بیت باز بماند. اما چگونه می توان کاری

کرد که بعد از مرگ نیز بتوان به اهل بیت علیهم السلام محبت و بذل مال نمود؟

راهش وقف است. می توان با وقف برای اهل بیت علیهم السلام ابراز ارادت و عشقی ابدی به آنان نمود. با وقف برای زنده نگهداشتن نام و یاد و سیره آن بزرگواران، می توان محبت و علاقه خود را به آنان جاودانه نمود تا آیندگان نیز به برکت بهره مندی از آثار آن موقوفه، به اهل بیت توجه پیدا نموده و محبت خویش را به آنان افزایش دهند.

وقف به این انگیزه، شعار عملی محبت و ارادت واقف به اهل بیت علیهم السلام است که طنین آن تا ابد خواهد پیچید و همگان را از عشق و افتخار واقف به آن بزرگواران آگاه خواهد نمود.

وقف برای اهل بیت علیهم السلام، از سویی تأیید ارادت و مهر ختام به محبت است و از سوی دیگر باعث تقویت روز به روز بنای محبت به آن بزرگواران می شود.

چون وقف یک حسنه در حال جوشش و ازدیاد است، از این رو هر پاداش، فضیلت و اثری که در دوست داشتن و محبت به اهل بیت علیهم السلام وجود دارد، چندین برابر آن را به واقفی می دهند که به این انگیزه وقف نموده است. و در یک کلام وقف برای اهل بیت علیهم السلام، باعث محسوس شدن با آن بزرگواران و زندگی جاودانه در سرای دیگر است.

امام صادق علیه السلام فرمود: دوستداری ما را کوچک مپندار که این دوستی از باقیات صالحات است. ۵ حال خدا می داند که اگر کسی این باقیات صالحات را با وقف که آن نیز باقیات صالحات است پیوند دهد چه اجر و پاداشی نصیبش می شود!



باید به این نکته توجه نمود که خود اهل بیت علیهم السلام به ما آموخته اند که پاسخ احسان را با احسان مضاعف جبران نمایید. این خاندان، معدن جود و کرم هستند. همان کسانی اند که سه روز پیاپی بی هیچ چشم داشتی، تنها غذای خود و فرزندان کوچک خود را بخشیدند. همان ها که خدا در وصفشان فرمود: ويطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیمنا و اسیرا. حال اگر کسی با وقف برای آنان، ارادتی نشان دهد، چگونه پاسخ خواهند داد را خدا می داند و بس. یقینا چندین برابرش را هم در این دنیا و هم در سرای آخرت به واقف باز خواهند گرداند.

به امید آنکه در هر شهر و منطقه ای حداقل یک موقوفه به نام یکی از اهل بیت علیهم السلام و برای ترویج معارف آنان وجود داشته باشد. اگرچه تمامی صفات در اهل بیت به یک میزان وجود دارد، اما هر امامی به بُروز یک صفت، مشهور است. یکی به علم، امام دیگر زهد و شجاعت، یکی دیگر به حلم، آن معصوم دیگر به عبادت و آن دیگری به نشر علوم و... چه خوب است که برای نشر و ترویج هر یک از این صفات و گسترش سیره عملی هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام وقفی ایجاد گردد. چه لذت بخش است که در هر شهر و دیار چهارده چراغ موقوفه بنام چهارده نور هدایت و ریسمان محکم پروردگار روشن گردد. به امید آن روز

پی نوشت ها:

- ۱- زیارت جامعه کبیره
- ۲- کنزالاعمال ج ۱۲، ص ۱۰۵
- ۳- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۳
- ۴- امالی صدوق، ص ۲۷۴
- ۵- اعیان الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱



گفتار هشتم:

برای مقابله با جنگ اقتصادی

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب که با درایت و دوراندیشی، شعار هر سال را انتخاب می نمایند، در واقع جهت گیری و خط مشی خاصی را برای کل نظام و مردم تعیین می نمایند که عمل به آن خط مشی، راه رسیدن به آرمانها و اهداف را سرعت بیشتری می بخشد.

از این رو باید توجه نمود که نام گذاری هر سال، فقط شعارِ صرف نیست؛ بلکه شعور است و آگاهی؛ توجه دادن و سوق دادن اقشار مختلف جامعه به رویکرد، اهداف، ضرورتها و نیازهای روز است. البته مسئولین بیش از دیگران باید به این امر خطیر و بسیار مهم بپردازند. از سوی دیگر موضوع وقف نیز از این مقوله خارج نیست و نسبت به شعار سال وظیفه ای بر دوش دارد که باید انجام دهد. از این رو باید اندیشید و راهکارهایی برای تحقق شعار سال در قالب وقف و موقوفات پیدا نمود و با ارائه آن راهکارها به خیرین آخرت اندیش، آنها را به فضیلت وقف سوق داد.



با توجه به اینکه شعار سال (۹۱) تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه انسانی است پس برای تحقق آن چندین و چند راه ممکن و میسر است که از جمله آن راهکارها، وقف برای ایجاد کارگاه و کارخانه است. بسیاری از کسانی که توانسته اند کارخانه و کارگاهی را بپا کنند تا علاوه بر اینکه چرخ صنعت کشور پررونق تر و پرشتاب تر شده و نیاز کشور به بیگانگان قطع می شود، موجب اشتغالی افراد زیادی را نیز فراهم نموده اند.

اما زیباتر از این زمانی است که این همت و نوا و دوستی، رنگ خداپسندانه جاودانگی به خود گیرد و با وقف بخشی از صنعت خود برای رفع مشکل بیکاری مدال پرافتخار واقف شدن را بر گردن آویزد.

انسان آخرت اندیش می داند این وقف چه ثمرات ارزشمندی در دنیا و آخرت دارد. پس چرا با یک تیر چند نشان را نزنند؟ یکی از ثمرات پر بار این کار این است که می توان با ایجاد زمینه اشتغال و کسب درآمد، عده ای که به خاطر بیکاری و فقر مددجو هستند را به مددکار تبدیل کرد. درست مثل اینکه به جای چیدن و هدیه دادن یک گل، بذرش را ببخشی تا دیگران به تکثیر آن بپردازند و از طراوت و زیبایی آن بهره ببرند. در واقع گلچین تبدیل به گلکار و پرورش دهنده گل می شود.

تصور کنید زمینه ای فراهم شود که عده ای به جای اینکه سر به زیر افکنده و با شرم و حیا و با هزار سختی و مشقت بخواهند از کسی کمکی دریافت کنند، با عزت و آرامش به کار و تولید و کسب درآمد بپردازند و دست دیگران را نیز بگیرند؛ چه برکاتی دارد؛ شما قدری تفکر و تامل کنید! شما که اهل کار خیر و گره گشایی هستید، چرانیت خیر را با عمل جاودانه پیوند نزنید؟!





گفتار نهم:

یک کار، چند نتیجه، چندین پاداش

کاشت درخت از اعمال صالحی است که فواید زیادی دارد و از جمله کارهایی است که انبیاء و اولیاء الهی برای آن ارزش خاصی قائل بوده و خودشان نیز به آن اشتغال داشتند. به طوری که همه‌ی انبیاء الهی به گونه‌ای در عصر خویش، در ایجاد باغ و بستان‌ها و حفظ آن کوشا بوده‌اند. در این باره امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند هیچ

پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه به زراعت می‌پرداخت». ۱

یکی از فواید اخروی کاشت درخت، بهره‌مندی از پاداش تسبیحی است که درخت نسبت به خداوند متعال انجام می‌دهد. چرا که درخت موجود زنده‌ای است که لباس هستی پوشیده و هر چه که هست شده به تقدیس و تسبیح خداوند مهربان مشغول است. چنانکه خداوند متعال



در قرآن کریم می‌فرماید: «و هیچ چیز نیست مگر اینکه به تسبیح و ستایش او مشغول است» ۲

علاوه بر این، کسی که درختی می‌کارد در واقع پا به عرصه‌ی روشننگری آیات الهی گذاشته است. چرا که درخت یکی از نشانه‌های عظمت الهی است که در قرآن و روایات، به آن اشاره‌های فراوانی شده است که راه و دلیل روشنی است برای خدانشناسی و تفکر و اندیشه در قدرت و حکمت بی‌انتهای پروردگار و در یک کلام به حق می‌توان گفت که:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفترست معرفت کردگار

از دیگر فوائد درخت، نقش مهم آن در تأمین غذای انسان‌ها و حتی حیوانات است که علاوه بر این، چوب آن نیز بسیاری از نیازهای مادی انسان را تأمین می‌کند.

یکی دیگر از فوائد درختان و باغ‌ها تأثیر بسیار بالای آنها در حفظ طبیعت و محیط زندگی موجودات دیگر اعم از انسان‌ها و حیوانات است. چنانکه هر درخت نقش بسزایی در تأمین اکسیژن و مطلوب نمودن هوا و... دارد.

علاوه بر تمام خواص مادی درختان، باغ‌ها و بستان‌ها از لحاظ آرامش روحی و روانی تأثیر بسیار زیادی در زندگی انسان‌ها دارند. گشت و گذار در باغ‌ها آنقدر لذت‌بخش است که خداوند متعال در بسیاری از آیات مربوط به بهشت آن را از نعمت‌ها و پاداش‌های بزرگ شمرده و بهشت خود را با عبارت‌هایی مثل: «جناتِ تجری من تحتها الانهار» ۳ توصیف کرده است.

از سوی دیگر نیاز به تفریح و استراحت در وجود هر انسانی نهفته است

که باید این نیاز را برآورده کرد تا در پیچ و خم زندگی، انسان توان مقابله با سختی‌ها و مشکلات زندگی را از دست ندهد و هر از گاهی با تفریحات سالم که استفاده از فضای باغ یکی از بهترین آنهاست، نیرویی دوباره گیرد.

لذا در قرآن کریم و روایات توصیه‌های گوناگونی نسبت به این امر شده است.

از این رو بسیاری از مردم برای تفریح و استراحت به باغ‌ها و جنگل‌ها می‌روند و در این بین کسانی که وضع مالی بهتری دارند حتی باغ‌های اختصاصی دارند که خود و بستگانشان از آن استفاده می‌کنند. کسانی که وضع مالی آنها در این حد نیست با مسافرت به بخش‌ها و نواحی گوناگون از لذت تفریح در باغ‌ها و جنگل‌ها بهره‌مند می‌شوند.

اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در همه جای کشور باغ و فضای مناسب برای تفریح همگان وجود ندارد. و بسیاری از مردم نیز به علت پایین بودن توان مالیشان قادر به مسافرت و بهره‌مندی از لذت باغ و گشت و گذار در آن را ندارند. آیا آنها نباید از این نعمت استفاده کنند؟ چگونه می‌توان زمینه استفاده آنان را از این موهبت الهی مهیا کرد؟

باور کنید می‌شود، می‌شود با احیاء برخی از زمین‌های خشکی که در شهرها و یا اطراف آن است، آنجا را به باغ‌های زیبایی تبدیل کرد که امکان دسترسی و استفاده‌ی همه‌ی مردم، مخصوصاً اقشار خاصی مانند یتام و مستمندان به وجود آید تا از آرامش و لطافت آن محیط بهره گیرند.

از سوی دیگر در هر شهری افراد مستمند فراوانی هستند که حتی



ممکن است خرید میوه نیز برایشان سخت باشد. از این رو می‌توان با پرورش باغ‌های میوه، علاوه بر فوائد گوناگون کاشت درخت، گام مؤثری در رابطه با اطعام مستمندان برداشت و حتی با این کار برای چندین نفر هم شغل و درآمد ایجاد کرد.

حالا تصورش را بکنید، کسی بیاید و زمین بایری را به وسیله‌ی باغ احیاء کند و آن را همانند اهل بیت علیهم‌السلام، وقف نماید، چه پاداش عظیم و بادوامی از این کار می‌برد. به راستی مگر کاشت درخت و پرورش باغ و وقف نمودن آن از کارهای اهل بیت علیهم‌السلام نبوده که با دست مبارک خویش به انجام آن اقدام نموده‌اند؟ و اگر ما پیرو آنها هستیم لازم است ما نیز به این کار مقدس توجه بیشتری بنماییم.

حسابش را بکنید، پاداش شریک شدن در تسبیح درختان، کاشتن و احیاء آیه‌ای از نشانه‌های شناخت خداوند، تأسی به پیامبران و معصومین علیهم‌السلام، ایجاد محلی برای آرامش مردم، مخصوصاً نیازمندان و اطعام فقرا و... آنقدر زیاد است که به شماره نمی‌آید مخصوصاً اینکه این پاداش‌ها با وقف که اجری عظیم دارد پیوند بخورد.

حال که اینگونه است هر کدام از ما باید به اندازه‌ی توان خود در این راه قدم برداریم و از این اجر بزرگ بهره‌گیریم.

پی نوشت ها:

- ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲
- ۲- سوره اسراء، آیه ۴۴
- ۳- سوره نساء، آیه ۱۲۲



گفتار دهم:

سرمایه‌گذاری در بانک خدا

همه دوست دارند در کسب و کار روزمره‌ی خود بالاترین سود و بهره‌ی ممکن را به دست آورند.

از این رو برخی خود وارد تجارت می‌شوند و برخی نیز از طریق مضاربه و یا سپرده‌گذاری در بانک‌ها از سودی که عایدشان می‌شود بهره‌مند می‌شوند.

اما نکته‌ی قابل توجه این است که در کجا سرمایه‌گذاری کنیم که بیشترین منفعت عایدمان شود؟

معمولا کسانی که دنبال سرمایه‌گذاری هستند این چند نکته را مورد توجه قرار می‌دهند:

اول: بیشترین سود را دریافت کنند.

دوم: ضمانت قوی و محکم برای بازپرداخت اصل سپرده و سود آن وجود داشته باشد.



سوم: شخص و یا محل سپرده‌گذاری از وجاهت بالایی برخوردار باشد. چهارم: با سپرده‌گذاری صورت گرفته، کارهای مهمی صورت گیرد. مثلاً با آن سرمایه، کارهای عمرانی، رفع مشکلات اجتماعی، کمک به درمان و بهداشت، رفع فقر و ارتقای سطح علمی و فرهنگی صورت گیرد. پنجم: از سود حاصل از سرمایه‌گذاری، مدت زمان بیشتری استفاده نمایند مخصوصاً زمانی که بیشتر دستشان خالی است و به آن نیازمندند. با توجه به این نکات، یک نوع سرمایه‌گذاری وجود دارد که علاوه بر تمام این ویژگی‌ها، امتیازات استثنایی و بسیار ارزشمند دیگری نیز دارد که آن «قرض دادن به خداوند» است.

در این سرمایه‌گذاری، طرف حساب ما خداوند متعال است که در چند جای قرآن کریم، با تمام بی‌نیازی‌اش، از بندگان خواسته به او قرض دهند و خودش تضمین کرده که چند برابرش را برمی‌گرداند:

من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه لکم اضعافاً کثیره» ۱ کیست که به خدا قرض الحسنه دهد تا خدا آن را برای او چندین برابر افزایش دهد.

در این آیه شریفه خداوند متعال سه مرتبه با کلمات «فیضاعفه»، «ضعاف» و «کثیره» بر سود چندین برابر این تجارت تأکید نموده است. پروردگار عالم به این مقدار سود بسنده نکرده و در جای دیگری می‌فرماید:

«ان تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم و یغفر لکم و الله شکور حلیم» ۲

اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما چند برابر می‌کند و شما را می‌آمزد و خدا عطاکننده‌ی پاداش فراوان در برابر عمل اندک می‌باشد و بردبار است.

حسابش را بکنید با یک سرمایه‌گذاری، هم سود کلانی را به دست

می‌آورید و هم گناهانتان بخشیده می‌شود و هم رضایت الهی را کسب می‌کنید. چه تجارتی از این بهتر؟

خداوند متعال پاداش‌های فراوانی به قرض‌دهندگان می‌دهد که یکی از آن مزدها این است که ثواب قرض دادن را بیشتر از صدقه دادن قرار داده است. که این نکته جالب و قابل ملاحظه‌ای است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بر در بهشت نوشته شده است در عوض وام و قرض هجده پاداش و در مقابل صدقه، ده پاداش داده می‌شود. زیرا وام تنها به دست شخص محتاج می‌رسد ولی چه بسا که صدقه به نیازمند نرسد» ۳

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «کسی که به برادر مسلمانش قرض دهد، به اندازه‌ی هر دره‌می که به او می‌دهد به بزرگی کوه احد برای او پاداش می‌دهند و اگر در مورد گرفتن طلب خویش با آن مؤمن مدارا کند، مانند برق خیره‌کننده و درخشان بدون ناراحتی از پل صراط می‌گذرد» ۴ از سوی دیگر یکی از اوصاف مؤمنین زرنگ بودن است که در روایات به آن اشاره شده است. انسان مؤمن باید با درایت و زرنگی، بیشترین بهره را ببرد.

آری با زرنگی و درایت می‌شود پاداش عظیم این قرض‌الحسنه را برای خود ابدی کرد؛ حتماً می‌پرسید چگونه؟

پاسخش «وقف برای پرداخت وام قرض‌الحسنه» است.

برای وقف نمودن به این نیت به چند شیوه می‌توان عمل نمود.

اول اینکه به فتاوی‌ مراجع عظام تقلید رجوع شود که اگر وقف نمودن پول را جایز بدانند عین پول را برای این نیت وقف شود.

روش دوم این است که ملکی وقف شود تا منفعت آن برای پرداخت



وام قرض قرض الحسنه استفاده می گردد. البته کسانی که توانایی وقف نمودن یک ملک را ندارند می توانند با وقف بخشی از ملک نیز به خیل واقفان و قرض دهندگان به خدا بپیوندند.

روش دیگر استفاده از سهام و اوراق مشارکت است. بدین صورت که به میزان توان و قدرت مالی سهام و اوراق مشارکت خریداری و وقف گردد تا سود حاصل از اوراق مشارکت و سهام وقف شده برای پرداخت وام قرض الحسنه استفاده گردد. البته در این دو مورد نیز باید به فتاوی مراجع عظام تقلید رجوع شود.

روش دیگر، وقف مشارکتی برای این موضوع است. بدین صورت که خیرینی که علاقه دارند برای پرداخت وام قرض الحسنه ملکی را وقف نمایند اما به تنهایی قادر به این کار نیستند، با مشارکت یکدیگر و به تناسب توان مالی خویش، هر کدام هزینه خرید بخشی از یک ملک را تقبل و پس از خرید وقف نمایند.

اگر کسی افتخار وقف نمودن برای پرداخت وام قرض الحسنه را پیدا نماید با یک تیر، نه یک نشان که چندین نشان زده است. هم واقف شده است که تا ابد چشمه جوشان فضیلت قرض دهندگان به خدا، توشه آخرتش را سیراب می کند و هم سرمایه اش چندین برابر می شود و هم وسیله ای فراهم نموده تا در هر زمان، هر که به وسیله وقف او قرضی گیرد، رضایت الهی را جلب و گناهانش محو شود.

پی نوشت ها:

- ۱- سوره بقره، آیه ۲۴۵
- ۲- سوره تغابن، آیه ۱۷
- ۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸
- ۴- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۷



گفتار یازدهم:

سنگ محک

بشنود هر کس و پاسخ ندهد مسلم نیست

امر پیغمبر طاهاست تماشا نکنید

بلايا و حوادث طبیعی، صحنه هایی را به نمایش می گذارد که دل هر جوانمردی را به درد می آورد. آتشی به دل می افکند و قلب را می سوزاند. اما تنها دل سوختن کافی نیست. اینجا مسلمانی ما را محک می زند. مگر پدر مهربان این امت، پیامبر عزیزمان نفرمود: هر کس ندای مسلمانی را بشنود که مسلمین را به کمک می خواند و جواب او را ندهد و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست. ۱ اینجا جای تثبیت مسلمانی و مردانگی و غیرت است. اینجا هر کس غیرت محمدی و علوی را در خود احساس می کند می شتابد و با جان و دل به ندای



کمک خواهی برادران و خواهران مسلمانان لبیک میگوید. هر کس به هر میزان که می تواند و به هر شیوه ای که برایش ممکن است به این جهاد مقدس روی می آورد.

اما نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که حادثه واقعا خبر نمی کند. بلایا و قهر طبیعت در هر زمان و مکانی محتمل است. از هیچ کس هم دور نیست. از این رو هر از گاهی در گوشه ای از سرزمین های اسلامی، زلزله، سیل، خشکسالی و یا حادثه ای رخ می دهد. عده ای را داغدار، عده ای را بی خانمان و عده ای را آواره می گرداند. یک روز زلزله بم، دیگر روز سیل پاکستان، روز دیگر قحطی و گرسنگی سومالی و امروز زلزله آذربایجان.

حال چه خوب است که برای اینگونه مسائل در کنار کمک های مردمی و فوری، فکری اساسی و بنیادی نمود.

قبل از اینکه حوادثی از این قبیل رخ دهد، قبل از آنکه درماندگانی ندای «یا للمسلمین» سر دهند، به یاریشان شتافت تا به محض وقوع چنین حوادثی، مصیبت دیدگان غیر از غم از دست دادن عزیزانشان هم و غم دیگری نداشته باشند. راه های زیادی ممکن است به ذهن خطور کند. اما آن راهی که ماندگاریش بیشتر و ارزشی افزونتر دارد، وقف است.

وقف یک راه دائمی برای یاری تمام مصیبت زدگان است. با وقف می توان قبل از هر حادثه ای، پشتوانه مادی کمک به حادثه دیدگان را فراهم نمود.

می شود برای درماندگان و آوارگان، اموالی را وقف نمود که هر زمان حادثه و بلایی گریبانگیرشان شد، با این ذخیره نیکو و ماندگار به یاری بی پناهان شتافت و در پاداش کمک رسانی به تعداد زیادی از آوارگان





بلاایای طبیعی سهیم بود.

می توان با وقف خانه و ملکی برای سیل زدگان، زلزله زدگان و دیگر در ماندگان از حوادث طبیعی به یاری آنها شتافت، هر چند که سال ها از وفات واقف گذشته باشد.

می توان با وقف نمودن، تا انتهای تاریخ، نام خود را در زمره امداد رسانان و یاوران امت رسول الله صلی الله علیه و آله ثبت نمود.

می توان با وقف نمودن یک خانه، باغ، مغازه یا کارخانه و... برای غمدیدگان بلاایای طبیعی به امام واقفان اقتدا نمود و تاج عزت واقف بودن را بر سر نهاد.





گفتار دوازدهم:

کیسه نان زمین مانده مولا را برداریم!

اطعام نمودن از اخلاق پسندیده ای است که امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسلی نمی‌داند اطعام گرسنه چه اندازه اجر و ثواب الهی دارد مگر خدا. ۱

خداوند آنقدر این صفت را دوست دارد که به واسطه‌ی اطعام کننده‌ی غذا بر ملائکه افتخار می‌کند. از این رو آن را وسیله‌ی ای برای آمرزش گناهان بندگان خویش قرار داده است.

بهترین و شایسته‌ترین بندگان خدا که این صفت را از خالق خود دارند، کریمان سفره داری بودند که نه تنها خانه‌های خود را پناهگاه گرسنگان کرده بودند و از غذای خویش به آنها می‌خوراندند، بلکه



شبانه و مخفیانه کیسه آذوقه را بر دوش می نهادند و عاشقانه به سراغ بندگان فقیر و گرسنه پروردگار می شتافتند تا با دست مبارک خویش آنها را اطعام نمایند. غذا دادن به فقرا و بی نوایان کاری بود که پیشوایان ما بدان عشق ورزیده و تا آخرین لحظات عمر پربرکت خویش بدان اهتمام داشتند. امام سجاد علیه السلام به قدری کوله بار غذا به دوش کشیده و به در خانه فقرا برده بود که شانه مبارکش کوفته شده و پینه بسته بود.

مگر امیرمومنان علی علیه السلام با ایثار و فداکاری بی نظیر خود، به نیازمندان احسان و مهربانی نمی کرد و آنها را از تفضل و الطاف بی کران خود بهره مند نمی ساخت. آن حضرت آسایش خود را فدای سامان دادن به امور مستضعفین و بینوایان و رسیدگی به کار دردمندان و مستمندان نموده بود. همواره در شب‌های تاریک، کوله بار غذا را بر دوش می گرفت و به خانه فقرا می برد، آنها را سیر می نمود در حالی که خود گرسنه بود.

ومگر اهل بیت پیامبر، سه روز هنگام افطار غذای خود را به نیازمندان ندادند در حالی که خود گرسنه بودند.

حال که اینگونه است، ما نیز به نوبه خود باید به یاریشان بشتابیم و کوله بار غذا را از دستشان بستانیم و به دست نیازمندان برسانیم. چشمان مولایمان هنوز نگران فقراست که نکند کسی گرسنه سر بر بالین بگذارد. دستان مبارکش را به انتظار یاری ما گشوده است. هر که می خواهد به آقایمان اقتدا کند بسم الله. تا دیر نشده باید کاری کرد. از سوی دیگر پیامبر رحمت فرمودند: فرشتگان تا زمانی که سفره‌ی اطعام کننده برای اطعام پهن است بر او درود می فرستند. ۲ البته این

تحیت، باعث جلب رحمت، مغفرت و عنایات مادی و معنوی الهی و ترفیع درجات و نیز دفع بلا یا می گردد. حال که چنین است باید سفره ای به پهنای تاریخ گستراند و اسباب اطعام فقرا و مساکین را تا ابد فراهم نمود. تا این تحیت را تا انتهای تاریخ برای خویش کسب کنیم. اما چگونه میتوان چنین مائده ای برپا نمود که تا ابد پذیرای گرسنگان باشد؟

راهش وقف است. چرا که وقف یعنی ماندگاری تا ابد. می توان با ایجاد موقوفه برای اطعام گرسنگان، به پیشوایان بزرگوار و کریم اقتدا نمود و سفره هایی کریمانه برپا نمود. می شود با وقف نمودن به نیت اطعام مساکین به اندازه توان خود، کوله بار غذای مولایمان را تا انتهای افق بر دوش گرفته و به گرسنگان تاریخ مزده رسیدن عنایت مولا را داد. با وقف نمودن برای گرسنگان دوبار به امام خود اقتدا نموده ایم. یک بار در وقف نمودن و یک مرتبه در اطعام. مگر نه این بود که مولایمان خود را به مشقت می انداخت تا باغی را آباد کند و سپس آن را وقف مساکین و فقرا می نمود؟! پس یا علی گویان تکبیر عشق بگوییم و به مولایمان اقتدا کنیم. ای که دستت می رسد کاری بکن قبل از آنکه از تو نیاید هیچ کار

پی نوشت ها:

۱- اصول کافی، ج ۲، باب اطعام مومن

بخششی تا آسمان





گفتار سیزدهم:

راهی برای محبت به خدا

انسان ذاتا عاشق و تشنه محبت است. دوست دارد مورد محبت دیگران قرار گیرد و در مقابل مهر دیگران، ابراز محبت کند. خداوند مهربان بیش از هر کسی انسان را مورد رحمت خود قرار داده و اساسا تمام محبت ها از زلال رحمت الهی سرچشمه میگیرد. از این رو، خیلی ها دلشان می خواهد در مقابل محبت های بی شمار خداوند مهربان کاری کنند و به تعبیر ساده تر، آنها نیز به خدای خویش محبت کنند. اما راه محبت کردن به خدا کدام است؟ بهتر است راه محبت به او را از خودش بیاموزیم.



پروردگار مهربان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:
ای محمد! محبت به من، محبت به فقراست، دوست داشتن خدا،
دوست داشتن فقیران و نزدیک شدن به ایشان است. ۱
اینکه راه محبت نمودن به خدا، توجه و رسیدگی به فقراست، دلیل بر
اهمیت داشتن این موضوع دارد. برای همین، یکی از مهم ترین درس
های قرآن خدمت به فقرا و نیازمندان است. آیات فراوانی بر بخشش و
انفاق تاکید نموده تا جایی که با لحنی توبیخ آمیز می فرماید: شما را
چه شده است که در راه خدا انفاق نمی کنید. ۲ یا در جایی دیگر می
فرماید: در اموال شما حق معلومی قرار دارد که برای سائل و محروم
است. ۳

اهل بیت علیهم السلام نیز برای رفع نیاز مستضعفان و محرومان
عاشقانه قدم برمی داشتند. آن بزرگواران به طور ناشناس و در دل
شب به رفع مشکلات یتیمان و محرومان جامعه می پرداختند. اهل
بیت علیهم السلام، محرومان را محبوب خدا و وسیله رحمت الهی می
دانستند از این رو به آنان عشق می ورزیدند و آنان را عزیز می داشتند.
می کوشیدند کرامتشان را حفظ کنند و محرومیت هایشان را بزدایند.
حال که اینگونه است ما نیز باید به پیشوایان خود اقتدا نموده و برای
رسیدگی به محرومان برنامه ریزی و اقدام نماییم.

از سوی دیگر باید افق دید را توسعه داد و فراتر از زمان را نگریست. باید
به فکر تمام نیازمندان بود. باید تا زمان ظهور ولی عصر ارواحنا فداه،
که نیازمندی در آن زمان یافت نمی شود، برنامه ریخت. باید یک کار
اساسی و بنیادی برای حمایت از محرومین انجام داد که تا ابد تحت
حمایت قرار گیرند. اما چه کاری می تواند حمایت اینگونه را تا ابد امتداد

بخشد؟ پاسخش وقف است. با وقف برای فقرا و نیازمندان، می توان برای آنها یک چتر حمایتی، به وسعت زمان گشود. با وقف می توان قبل از اینکه فقر و گرفتاری به کسی روی آورد به فکر یاری اش بود. با وقف می توان تا ابد، گره گشای گرفتاران و درماندگان بود.

اما در میان نیازمندان و فقرا، بیوه زنان و زنان سرپرست خانوار از جمله گروه های محروم و آسیب پذیر جامعه هستند. توجه به زنان سرپرست خانوار در معارف اسلامی و نگاه اهل بیت علیهم السلام نیز از جایگاه خاصی برخوردار می باشد تا جایی که علاوه بر اینکه خود بدان اهتمام می ورزیدند، سفارش های زیادی نیز در این خصوص فرموده اند.

علت اهمیت توجه و رسیدگی به این قشر نیز روشن است. اولاً دین اسلام برای حفظ کرامت و شخصیت زن ارزش زیادی قائل است برای همین می خواهد این قشر مورد حمایت قرار گیرند تا دغدغه های اقتصادی آنان را روانه هر بازار کاری نکند و مهمتر اینکه به خانواده و تربیت فرزندان خود بپردازند. ثانیاً کار و اشتغال برای این گروه با سختی ها و مشکلات فراوانی روبروست. چرا که در جامعه اسلامی نقش اقتصادی خانواده را مردان بر عهده دارند در حالی که اشتغال زنان سرپرست خانواده، علاوه بر وظایف مادری، تربیت فرزندان، نگهداری و اداره امور خانه، می باشد. بدین ترتیب زنان سرپرست خانواده نسبت به مردان به دلیل داشتن چند نقش مختلف به طور همزمان با مشکلات بیشتری مواجهند. از سوی دیگر مناسب نبودن فضای کار، نگرش های منفی اجتماعی، و دستمزد کمتر نسبت به مردان از دیگر مشکلاتی است که زنان سرپرست خانوار با آن مواجه هستند. از این روست که توجه به این قشر اهتمام بیشتری را طلب می کند.



با وقف برای حمایت از زنان بی سرپرست و سرپرست خانوار، می توان تا قیامت از آنان حمایت و دستگیری نمود. وقف نمودن برای این گروه از محرومین جامعه چند ویژگی و مزیت دارد؛ که از آن جمله برخورداری ابدی از پاداش رسیدگی به محرومان، ادامه دادن راه اهل بیت علیهم السلام حتی پس از مرگ و حرکت در مسیر انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است.

از مهمترین ویژگی های وقف برای بیوه زنان و زنان سرپرست خانوار، ابدی و دائمی نمودن محبت کردن به خداوند مهربان است حتی اگر در این دنیا نباشیم. در عالم برزخ که دست انسان از انجام اعمال خیر کوتاه است و بیش از هر زمان دیگری محتاج محبت خداوند مهربان است، می شود با وقف به خدا محبت نمود و در نتیجه محبت او را به دست آورد. اینک مائیم و یک راه همیشگی برای محبت به خداوند. مائیم و راهی جاودانه برای عشق به خدا. پس هر که در سر ادعای عاشقی دارد بسم الله. راه عاشقی با خدا باز است و منتظر رهرو.

پی نوشت ها:

- ۱- کلیات حدیث قدسی
- ۲- سوره حدید، آیه ۱۰
- ۳- سوره زاریات، آیه ۱۹



گفتار چهاردهم:

دیه ماندگار

راه حلی ماندگار به جای قصاص

در برخی از قتل‌هایی که رخ می‌دهد، قاتل نه فردی سابقه دار بوده و نه انسانی شرور و بد طینت. بلکه بر اثر غفلت و چیره شدن خشم، کنترل خود را از دست داده و ناخود آگاه مرتکب قتل گردیده است. در بسیاری از این موارد دیده می‌شود که خانواده مقتول تقاضای قصاص کرده و حکم به قصاص صادر می‌شود. خانواده قاتل نیز هرچه اصرار و زاری میکنند نمی‌توانند رضایت آنها را به دست آورده و با ناامیدی در انتظار سخت و کشنده قصاص و بی‌سرپرست شدن خود



را می کشند. اینجاست که وساطت ها شروع می شود اما گاهی این هم جواب نمی دهد. در برخی موارد وقتی که پیشنهاد دریافت دیه را به خانواده مقتول می دهند، آنها به این خاطر که با گرفتن دیه، خون عزیزمان پایمال می شود یا در نظر دیگران خوبیت ندارد و پشت سرمان حرف می زنند و از این قبیل حرف ها. زیر بار دیه هم نمی روند و تنها خواستار قصاص هستند. هرچه هم که خانواده مقتول خواهش و اصرار میکنند و حتی گاهی حاضر می شوند چند برابر دیه را پرداخت کنند سودی ندارد.

اینجاست که می شود با درایت و تدبیری نجاتبخش، جان یک نفر را از مرگ نجات داد و از بی سرپرست شدن و داغدار شدن خانواده دیگری جلوگیری کرد. آری اگر به خانواده مقتول گفته شود درست است که دست آن مرحوم از تمتعات دنیوی کوتاه گردیده اما باید به این نکته توجه نمود که برای عالم پس از مرگش کار نیک و اعمال صالح احتیاج دارد و حال که خودش دستش از انجام این کارها کوتاه شده، شما نگذارید دستش خالی بماند. می توانید با قبول دیه ملکی را تهیه و بنام او و برای او وقف نمایید که برای همیشه ی زمان از اجر و پاداش آن، بهره مند گردد. حسابش را بکنید اگر بتوان با آن دیه یک ساختمان را برای یک مسجد، درمانگاه و یا برای اسکان خانواده های ایتم و بی سرپرست تهیه و برای آن مرحوم وقف نمایید، برای همیشه از پاداش عبادت، درمان و یتیم نوازی بهره ها می برد. البته بیش از این هم میشود او را منتفع کرد به این صورت که در وقف نامه قید کنند که هر کس از این موقوفه استفاده میکند مقدار معینی برای آن مرحوم، نماز و یا روزه قضا که بر عهده اش بوده به جا بیاورد تا بدین صورت نماز

ها و روزه های قضایش نیز جبران شود. کارهای زیادی را می شود انجام داد و قیده های متفاوتی را می شود در وقف نامه آورد. حسابش را بکنید با این کار هم کسی از مرگ نجات می یابد و فرصت حیات دوباره، توبه و جبران گذشته به او می شود و هم خانواده ی دیگری از داغدار شدن و احتمالا بی سرپرست شدن خلاصی یافته و هم یاد و نام آن مرحوم زنده نگه داشته شده است. از همه مهمتر اینکه پرونده ایی برای اعمال صالح و نیک مقبول باز شده که تا ابد از آن بهرمنند می گردد.

یقینا اگر به خوبی این سنت زیبا برای خانواده های مقتولین تشریح شود تعداد زیادی قبول می کنند و این رویه و سنت زیبا را پی میگیرند. انشاءالله روزی برسد که همه با هم و در کنار هم و با صلح و صفا و مروت زندگی کنیم.





گفتار پانزدهم:

محبوبترین بنا

بنای مقدس و ارزشمندی است. پناهگاهی است برای نجات از شر شیطان، که «هر کس به آن پناه برد صدای ناله شیطان بلند می شود»^۱. جای امنی است که می تواند انسان را از شر تیر های وسوسه شیطان حفظ کند. پناه بردن به آن عاملی برای نجات از گمراهی و جهنم است. به طوری که به فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیشترین اهل جهنم انسانهای هستند که به این بنا، پناه نبرده اند.^۲ قرارگاه آرامشی است که نقش مهمی در مصون ماندن از بسیاری از لغزشها داشته و انسان را در رسیدن به کمال، خوشبختی و سعادت یاری می کند. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمود: در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد، که نزد خدای عزوجل محبوبتر و ارجمند تر از ازدواج باشد.^۳





آری ازدواج بنایی مقدس است که در اسلام خیلی به آن سفارش شده است. اسلام حتی ارزش عبادت شخصی که ازدواج کرده را هفتاد برابر شخص مجرد می داند و می فرماید: شخصی که ازدواج می کند، نصف دین و ایمان خویش را از خطرها و آفتها حفظ نموده است^۴. چرا که انسان تا زمانی که ازدواج نکند بیش از دیگران دینش در خطر است. زیرا ممکن است گرایش جنسی به ریشه و اساس ایمان وی لطمه بزند و آن را متزلزل کند. ازدواج، جوانان را از لغزش و انحراف و بی عفتی حفظ می کند و آنها را در مقابل نیمی از چیزهایی که دین را به خطر می اندازد، بیمه می نماید.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز ازدواج را سنت خویش قرار داده و ترک آن را خروج از دایره ولایت نبوی یعنی خروج از اسلام برشمرده^۵ و خانه ای که ازدواج در آن صورت پذیرد را بهترین خانه می داند.^۶

از سوی دیگر، در هر جامعه ای که ازدواج و تشکیل خانواده متزلزل گردیده و از رونق و اعتبار بیفتد، ارزشهای اخلاقی در جامعه رو به سقوط رفته و مقدمه رواج فحشا و منکر در جامعه فراهم می گردد. از این رو، هرگاه دشمنان اسلام بخواهند یک جامعه را متلاشی سازند یکی از گزینه هایی که انتخاب می کند خانواده است. برای همین با کم اهمیت نشان دادن بنای ازدواج و ترویج بی بندوباری و روابط ناسالم خارج از نظام خانواده و چهارچوب اسلام، سعی در اشاعه فحشا در میان جوانان دارند، تا از این طریق زمینه را برای ضربه زدن بر پیکره جامعه اسلامی آماده کنند. از این رو برای مقابله با این هجوم دشمنان، از سویی باید فرهنگ ازدواج را تسهیل نمود و از سوی دیگر، هر کسی به هر شیوه ای که می تواند بایستی برای این بنای مقدس قدم برداشته، سنگی را از سر راه جوانان



بردارد و راه را برای ازدواج آنها هموار نماید.

فراهم نمودن مقدمات ازدواج جوانان نیز، از اعمال صالحی است که پاداش و برکات فراوانی دارد. تا جایی که امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که امکان ازدواج مجردی را فراهم نماید، از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف می‌کند.

اکنون هر که می‌خواهد در آن روز بزرگ و هولناک، خداوند مهربان با نظر رحمت به او بنگرد بیاید و با فراهم نمودن مقدمات ازدواج جوانان، خود را بیمه کند. با تامین مسکن، پرداخت وام قرض الحسنه، تهیه جهیزیه و... نه تنها مقدمات ازدواج، که از آن بالاتر و در حقیقت زمینه جلب نظر و رحمت الهی را، می‌توان مهیا نمود.

اما باید هشیار بود و زیرک. باید بیشترین بهره را بُرد. باید فرصت این کار بزرگ را غنیمت شمرده و آن را جاودانه و همیشگی نمود. باید کاری کرد که این زمینه جلب نظر رحمت حق، تا سال‌های سال ماندگار و دائمی شود.

راه این کار هم، وقف است. وقف اکسیر ماندگاری است. خاصیت وقف این است که کار نیک و عمل صالح انسان را تا انتهای تاریخ امتداد می‌بخشد. با وقف نمودن بخشی از ملک و دارایی، خانه، زمین و... نه تنها مقدمات ازدواج یک زوج، بلکه می‌توان زمینه ازدواج جوانان بسیاری را مهیا نمود. مومنی که زرنگ است و می‌خواهد نظر لطف خداوند مهربان را به سوی خود جلب کند، می‌تواند خانه‌ای را وقف سکونت چند سال اول ازدواج جوانان نماید، تا با فراهم شدن مقدمه ازدواج هر زوجی، نظر لطف حق را برای خود خریداری کند.

با زیرکی می‌توان، ملکی را به نیت ازدواج وقف نمود تا از منافع حاصل



از آنان به جوانانی که قصد ازدواج دارند وام قرض الحسنه ازدواج پرداخت گردد. با این کار می توان هم از پاداش قرض الحسنه به افراد زیادی بهره بُرد و هم از پاداش مهیا نمودن مقدمات ازدواج تعداد بی شماری برخوردار شد و هم سرمایه اولیه وقف را در طول سالیان متمادی، افزایش داد. وقف برای تسهیل امر ازدواج، بنیان گذاری سنت حسنه ای است که کوله بار حسنات واقف را روز به روز پر بارتر می کند. از این رو هر کس بتواند برای تسهیل امر ازدواج جوانان وقف کند، علاوه بر پاداش وقف، از فضیلت ایجاد نمودن محبوبترین بنا در نزد خداوند متعال، پاداش حفظ نمودن نصف دین بسیاری از جوانان، و نجات یافتن افراد زیادی از آتش جهنم و همچنین خشمگین نمودن شیطان و خنثی نمودن توطئه های او، برخوردار خواهد شد. از همه مهمتر اینکه، تا موقوفه اش مورد استفاده قرار میگیرد و هر بار که مقدمه ازدواج کسی مهیا می شود، نظر رحمت و لطف حق را برای خود خریداری می کند.

پی نوشت ها:

- ۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۰
- ۲- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۱
- ۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲
- ۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴
- ۵- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۲



گفتار شانزدهم:

راه یاری نمودن امام حسین علیه السلام

بیایید لحظه ای به حسینیه قلب خود پناه ببریم. بیایید ساعتی در تکیه ای که برای روضه عزیز فاطمه در دل خود برپا کرده ایم، خلوت کنیم. بیایید لحظه ای خاموش باشیم و گوش دل بسپاریم به صدایی که از طرف کربلا می آید. بیایید ندای غریبانه مولایمان حسین، که در زمان طنین انداخته را است با هم مرور کنیم. آری هنوز هم ندای «هل من ناصر» امام حسین علیه السلام بگوش می رسد که از دوستانش می خواهد که به یاریش بشتابند. آقایمان ما را هم به یاری خود فراخوانده است. دیگر جای درنگ نیست باید به یاری مولایمان بشتابیم.



اما چه کنیم که زمان بین ما و مولایمان فاصله انداخته است! ما جا ماندگان از قافله‌ی کربلا چگونه می‌توانیم عاشقانه به ندای ملکوتیش، لبیک بگوییم و به یاریش بشتابیم؟

بهتر است بدانیم که مولایمان در آن واپسین لحظات حیات طیبه خویش برای نجات جان خود کمک نخواست و طلب یاری نمود، بلکه او برای هدفش، یاری و کمک خواست و برای این امر ندای «هل من ناصر ینصرنی» سرداد. از این رو تمام انسان‌ها، در هر زمین و زمانی که باشند مخاطب سیدالشهدا علیه السلام هستند. هدف مولایمان هم که مشخص است. در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة» ۱ امام حسین علیه السلام جان خود و فرزندان را فدا کرد تا بشریت را از جهل و نادانی که بدترین دردهاست نجات دهد.

آری او در فکر نجات بشریت از بیماری جهالت بود و برای این امر مقدس طلب یاری نمود. با این نگرش همیشه راه برای یاری رساندن حضرت سیدالشهدا علیه السلام باز است و آن، مبارزه با جهل و نادانی است.

جهالت مشکل بزرگ بشریت است. تمام بدبختی و گرفتاری آنها از سر نادانی و جهالتشان بوده است. به خاطر جهل بوده که راه را بیراهه رفته، ناخدایان را خدا پنداشته و به جای کسب عزت الهی، طوق ذلت و بندگی شیطان بر گردنشان آویخته شده است.

به فرموده‌ی امیرمؤمنان علی علیه السلام جهل فاسدکننده‌ی آخرت، خراب‌کننده‌ی همه‌چیز، اصل و ریشه‌ی هر شر، معدن و گنجینه‌ی تمام پلیدی‌ها و زشتی‌ها، بدترین دردها و بدترین فقرهاست. ۲

اکنون که از هدف مقدس سیدالشهدا علیه السلام آگاه شدیم و از طرفی نیز زشتی و پلیدی جهالت و نادانی را شناختیم، هنگامه لبیک گفتن به ندای هل من ناصر مولایمان است. هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله! راه یاری رساندن مولایمان برای همه باز است. باید عجله نمود و به یاری مولایمان شتافت. باید با مولایمان عهد ببندیم برای یاری نمودن هدف مقدسش، برای خود برنامه ای تدوین کنیم و در اجرای آن محکم و استوار باشیم. از هر شیوه ممکن باید به مقابله با جهالت پرداخت. باید جبهه‌ای علیه جهالت و نادانی درست کرد و با آن قاطعانه مبارزه کرد.

آری راه یاری نمودن مولایمان علم آموزی و کسب معرفت است. البته باید توجه نمود که علم آموزی تنها در حوزه و دانشگاه و مدرسه ... نیست. بلکه هر وسیله ای که به افزایش و تقویت علم، معرفت و بینش ما کمک کند، می تواند اسلحه ما در این نبرد مقدس باشد.

باید از طریق راه های مختلف به علم آموزی و معرفت افزایی نسبت به خود و دیگران پرداخت تا بتوان از این راه، جهالت و نادانی را نابود نمود. گاهی ممکن است اسلحه ما در این مسیر کتاب و کتابخوانی باشد. از این رو بایستی در طول روز و هفته برنامه ای برای مطالعه خود داشته باشیم تا سپاه معرفت ما هر روز بخش های بیشتری از سرزمین های جهالتمان را فتح نماید.

ممکن است علم آموزی در قالب استفاده از سخنرانی ها، چه به صورت زنده و یا به صورت گوش دادن به فایل صوتی باشد.

گاهی ممکن است کسی از آنچه آموخته، برای بیدار نمودن دیگران در قالب پیامک استفاده کند و از این طریق به نشر معارف بپردازد. روش های دیگری نیز وجود دارد که هر کدام به نوبه خود تاثیر خوبی خواهند داشت.



اما نکته ای که باید بدان توجه نمود این است که ندای ملکوتی طلب یاری خواستن مولایمان تا ابد در زمان طنین انداز است و در هر مقطعی از زمان یاری کننده می خواهد. از این رو باید لبیکی به وسعت زمان به ندای مولایمان بگوییم. تا تمام عالم بدانند که ما چه زنده باشیم و چه نباشیم عاشق حسینیم. پس بهتر است برای لبیک گفتن و مبارزه علیه جهالت به گونه ای عمل کنیم که دوام آن ابدی و ماندگار باشد. اگر مبارزه‌ی با جهل را با عملی که ماندگار است پیوند دهیم قطعاً نتیجه‌ی بهتر و بیشتری خواهد داد و رنگ و بوی جاودانگی پیدا خواهد نمود.

اما چگونه می توان لبیکی ماندگار گفت؟ چگونه می توان زمینه یاری نمودن مولایمان را برای همیشه مهیا نمود؟ از چه راهی می توان تا ابد در صف یاوران حسین علیه السلام قرار گرفت؟

راهش وقف است. وقف راهی ماندگار و دائمی برای پیوستن به جبهه‌ی حقیقت و یاری رساندن به سیدالشهدا و پرچمدار مبارزه با جهالت است. می توان با وقف نمودن برای ترویج فرهنگ اهل بیت علیه السلام، جبهه‌ای نیرومند علیه لشگریان جهالت تشکیل داد. می توان با وقف نمودن ملکی جهت برگزاری کلاس‌ها، جلسات و مراسم مذهبی کاری اساسی نمود. تا در آن جلسات و برنامه‌ها، افراد زیادی را از جهالت نجات داد و بر علم و معرفت افراد مختلفی افزود. نتیجه این کار این است که؛ در این برنامه‌ها هر کسی که چیزی یاد می‌گیرد و به هر میزان که از جهالتش کاسته شود، برای بانی و واقف آن پاداش یاری‌کنندگان امام حسین علیه‌السلام را خواهند نوشت.

کسانی که امکان وقف زمین یا منزل ندارند، با خرید و وقف نمودن چند

جلد کتاب در بین عموم مردم، مناطق محروم، اماکن خاص و یا حتی بستگان خود به صف مبارزه با جهل و نادانی پردازند. در این کار اندازه هم قرار نداده‌اند. آن کس که بیشتر دارد می‌تواند در هر ماه چندین کتاب بخرد و وقف کند و آنکه بهره‌ی کمتری دارد حتی با خرید و وقف یک جلد کتاب و یا مجله می‌تواند در صف واقفینی که به یاری مولایشان آمده‌اند، بشتابد. انشاءالله که بتوانیم در این خط مقدم قرار گیریم و آنچه که در توان داریم را برای یاری مولایمان در طبق اخلاص گذاشته و نثار کنیم.





گفتار هفدهم:

برای سربازان مولا

تصور کنید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده و به نیروهایش دستور آماده باش صادر فرموده است. تمام سربازان بی درنگ برای جان فشانی و امتثال امر مولا به سوی محل تجمع و قرارگاه عاشقان شتافته و گرد وجود نازنینش حلقه زده و منتظر اوامرش هستند. اما برای آمادگی بیشتر، لازم است چند صباحی را در قرارگاه باشند تا با توان و نیرویی دوچندان برای برافراشتن پرچم حکومت صالحان و تحقق وعده الهی به حرکت در آیند. در این میان عده ای هم هستند که دلشان برای پوشیدن لباس خدمت پر میزند اما شرایط برای آنها مهیا نیست. البته نباید فراموش کرد که نمی شود همه افراد هم بیایند. این لشگر و قرارگاه نیاز به پشتیبانی دارد. عده ای باید بمانند تا از



این لشگر پشتیبانی نموده و با حمایت‌ها و کمک‌های خود آن را یاری نمایند و با تامین مایحتاج سربازان، خیال آنان را از پرداختن به امور مادی راحت نموده تا با خاطری آسوده تنها به وظیفه خود فکر کنند.

در این بین توجه به این نکته ضروری است که این جنگ و لشگرکشی بیش و پیش از اینکه نظامی باشد یک جنگ فرهنگی و عقیدتی است. لذا مولایمان به سربازانی نیاز دارد که از بنیه علمی مناسبی برخوردار باشند تا بتوانند با علم، معرفت و حکمت، با رفتار و گفتار مدبرانه خویش از حریم عقیده و مرزهای دین دفاع نموده و زیبایی‌های اسلام را برای همگان به نمایش بگذارند تا آنها خود مشتاقانه به سوی اسلام و حکومت اسلامی روی آورند. نه تنها شهرها که قلب‌ها را با سلاح علم و معرفت فتح نموده و پرچم ولایت الهی را در آن به اهتزاز درآورند. از این رو نبرد در جبهه علم بیش از جبهه رزم ارزش داشته و ترجیح دارد. این ترجیح جبهه علمی بر جبهه نظامی به خوبی در کلام امام صادق (علیه السلام) معلوم است. آنجا که شخصی خدمت حضرت رسید و سؤال کرد: اگر من به جبهه جنگ بروم و از مرزهای کشور اسلامی دفاع کنم بیشتر ثواب دارد یا اگر به دنبال تحصیل علم باشم؟ حضرت ضمن تشویق وی به تحصیل علم فرمودند: علمای ما از آن مرزی دفاع می‌کنند که در مقابل شیطان و عفریت‌های او قرار دارد؛ از آن سنگرهایی که در بین مسلمانان و مؤمنان از یک سو و شیطان و عفریت‌های او از سوی دیگر است دفاع می‌کنند و مانع از تسخیر قلوب مردم می‌شوند. ۱ با این بیان به خوبی در می‌یابیم که طلاب و حوزه‌های علمیه مرزبان فرهنگ و عقاید اسلامی هستند. آری! اگر حوزه و روحانیتی نباشد که درصدد پر کردن خلأهای فکری و عقیدتی بر آید شبهات و وسوسه‌ها ساطانی

به سرعت گسترش پیدا می کند و ریشه دین را در جامعه می خشکاند. اگر روحانیت و علماء دین نباشند افکار انحرافی در قلب و دل و اندیشه جوانان نفوذ پیدا می کند. باید توجه نمود که عامل بقای فرهنگ اسلامی در جامعه عقل و منطق است که باید آن را تقویت کرد. احساسات و عواطف، هر قدر مقدّس و پاک باشد، حالتی زودگذر است؛ آنچه در دلها باقی می ماند افکار و عقایدی است که با دلایل متقن همراه باشد. با این اوصاف، امروز حوزه های علمیه، نماد و نمونه بارز آن قرارگاه است که سربازان مولا در آن به تحصیل و تهذیب می پردازند تا با تبلیغ رسالت انبیا بر معرفت و بینش آحاد افراد جامعه بیفزایند و آنان را زیر بیرق اسلام درآورند. لذا می توان گفت تالیس و تشکیل حوزه های علمیه آرزوی اهل بیت علیهم السلام بوده است.

تحصیل برای طلاب و روحانیون که سربازان امام زمان ارواحناده هستند، جهادی بزرگ است. جهاد با اسلحه بسی آسانتر از جهاد به وسیله فکر است، زیرا در جهاد مسلحانه، دشمن پیدا و مشخص است. میدان نبرد نیز برای همگان معلوم است اما در جبهه فرهنگی دشمن با چنان استتاری هجوم می آورد که نه تنها معلوم نیست که حتی گاهی تشخیص دوست از دشمن کاری بسیار سخت و دشوار خواهد بود. از سوی دیگر در جنگ مسلحانه می توان سلاح را از جایی دیگر تهیه کرد اما در جهاد فکری و عقیدتی نمی توان فکر، عقیده و فرهنگ را قرض گرفت و یا خرید.

از این روست که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: در روز قیامت آثار قلمی علما را با خون شهدا می سنجند، آنگاه اهمیت و ارزش مداد علما و آثار قلم آنها بر خون شهدا رجحان پیدا می کند. ۲



اما حالا! اگر کسی مایحتاج طلاب و حوزه های علمیه را تامین نماید و به تجهیز و تامین و پشتیبانی سپاهیان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بپردازد آیا در پاداش تمام مجاهدت های علمی و عملی آنان شریک نخواهد بود و در اجر آنها سهیم نخواهد شد؟ نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که باید به این حمایت و پشتیبانی رنگ جاودانگی و دائمی بخشید تا برای همیشه بخشی از مایحتاج این جهاد مقدس و این جهادگران تامین شود. به جای حمایت موقت و اندک می توان چراغ سنگری از سنگرهای علم را تا ابد روشن نمود. می شود از امروز تا قیامت به نوعی و به اندازه ای امکانات سربازان زیادی را تامین نمود. می شود راه علم آموزی را تا انتهای افق هموار نمود تا هر که خواست بتواند به راحتی پا در این مسیر بگذارد و با خیالی آسوده طی طریق کند. می توان تا ابد افتخار خدمتگزاری به مولا و سربازانش را کسب نمود. حتما می پرسید چگونه؟

وقف راه جاودانگی است. وقف مسیر جاری نمودن کارهای خیر است در کالبد زمان. وقف عمل خیر را به سان چشمه ای زلال و همیشه جوشان در می آورد که کار خیر انسان را تا قیامت امتداد می بخشد.

با وقف برای طلاب و حوزه های علمیه می توان تا ابد در اجر مجاهدت های علمی و عملی تمام این مجاهدان شریک شد و بهره های فراوانی بُرد حتی پس از مرگ و کوتاهی دست از خیرات و مبرات. با وقف برای این مسیر می توان از هم اکنون با دست پر و روی گشاده به استقبال و یاری مولایمان امام زمان ارواحنا فداه رفت و در تسهیل حکومت و فرمانروایی ایشان سهیم بود.

با وقف برای این راه می شود به کندن علف های هرز جهالت و نادانی



کمک نمود. با وقف برای این پادگان مقدس و اردوگاه علمی می شود به تجهیز انبار مهمات و سلاح آن که علم، حکمت و معرفت است پرداخت؛ تا مجاهدان بی وقفه در راستای آماده سازی مقدمات آن حکومت جهانی تلاش و مجاهدتی بی وقفه نمایند. امام زمان که بیاید، واقفان که مقدمه سازان ظهورند نتیجه عمل خیرخواهانه خود را خواهند دید انشاءالله.

پی نوشت ها:

- ۱- بحار الانوار، ج ۲، باب ۸ ص ۵
- ۲- بحار الانوار، ج ۲، باب ۸ ص ۱۶

*در متن این نوشتار از بخش هایی از کتاب حوزه و روحانیت علامه مصباح یزدی استفاده شده است

بخششی تا آسمان





گفتار هجدهم:

مستحکم ترین دژ

وقتی دشمن از جهات مختلف حمله میکند، وقتی دشمن به گونه ای با پوشش و استتار هجوم می آورد که چشم قادر به تشخیص آن نیست، باید برای در امان ماندن از حملات و مقابله به مثل با او، خود را مهیا کرد و به قرارگاهی مطمئن و دژی مستحکم پناه برد. بهترین قلعه را امیرمومنان علی علیه السلام برای ما بیان نموده است. آنجا که فرمود: نماز قلعه و دژ محکمی در برابر حملات شیطان است. ۱ در قلعه نماز است که نیروهای خودی از لشگر دشمن تشخیص داده می شود و می توان به مقابله با شیطان و لشگریانش پرداخت و از گزند آنها در امان ماند. بدین جهت است که اهل بیت علیهم السلام نماز را ستون دین ۲ و پایه اسلام و مرز جدایی اسلام از کفر معرفی نموده اند. ۳



از این رو یکی از مهمترین کارها از منظر اسلام حفظ و توسعه قرارگاه و قلعه نماز است. چرا که آنجا هم جایگاه دفاع است و هم مرکز حمله به دشمن. همگان باید مراقب قلعه و قرارگاه باشند. حفظ آن از هر اسلحه ای بهتر و واجب تر است. از این روست که قرآن مجید اولین کار حکومت صالحان بر روی زمین را اقامه نماز دانسته و می فرماید: الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه... ۴

نماز قلعه ای است محکم و مطمئن برای مقابله با شیاطین درونی و بیرونی. سدّی است در برابر تهاجم ها و شیبخون های فرهنگی و سلاحی است برای شکستن بت ها. اگر اقامه نماز جایگاه اصلی خود را در جامعه ای پیدا کند، آن جامعه به پایگاهی محکم در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی تبدیل خواهد شد و دیگر هیچ گرگ شیطان صفتی توان نشان دادن چنگ و دندان به او را نخواهد داشت.

از سوی دیگر اگر اقامه نماز، سبک و سست شمرده شود، راه رخنه شیاطین انس و جن به قلعه مستحکم امت اسلامی باز شده و احتمال هر گونه تخریب و ویرانی برای آن جامعه داده می شود.

از این روست که تمام مسلمانان نسبت به احیا و اقامه این فریضه الهی و این رکن اصلی دین وظیفه دارند و مسئولند. هر که به میزان توان و قدرت خود باید از این حصار و ستون دین مواظبت کند و برای آن از جان و مال و آبروی خویش مایه بگذارد. هر خدمتی که در این عرصه صورت گیرد قطعا خدمتی بزرگ به دین و زمینه ساز حکومت صالحان که خداوند وعده تحقق آن را داده، خواهد بود.

بهترین اقدام در این راستا چیست؟ باید برای این امر اساسی، کاری

اساسی نمود. باید کاری کرد که نتیجه‌ای دائمی داشته باشد. باید عملی انجام داد که تا انتهای افق به حفظ و گسترش این دژ مستحکم الهی کمک کند. و چه کاری بهتر از وقف.

وقف برای ترویج و اقامه فرهنگ نماز، یکی از بهترین عمل‌ها و نیت‌هاست. عملی است بنیادین، که به رشد و تقویت ریشه‌های درخت اسلام می‌انجامد.

نماز که خود رکن اصلی دین است، وقف برای نماز هم باید چنین جایگاهی داشته باشد. وقف برای نماز وقفی است مستحکم، زیربنایی و سازنده.

با وقف برای اقامه نماز می‌توان تا ابد جزء اقامه‌کنندگان نماز بود. با وقف می‌شود این قلعه را توسعه داد تا همگان به آن پناه برند و از شر دشمنان در امان بمانند.

با وقف می‌شود پرچم و بیرق نماز را به بلندای آسمان به اهتزاز درآورد تا ره‌گم‌کردگان، راه را از بیراهه بشناسند و به سوی آن بشتابند.

می‌شود با وقف نمودن برای ترویج نماز، پشتوانه مالی همیشگی برای اقامه‌کنندگان این فریضه مهم مهیا نمود تا در این جهاد با دستی باز و خیالی آسوده در میدان مبارزه قدم نهند.

می‌شود با وقف، زمینه کارهای فکری، علمی و هنری برای اقامه نماز را فراهم نمود تا در قالب‌های گوناگون از جمله کتاب، نشریات، نرم‌افزار، سایت‌ها و فضای مجازی و... به تبلیغ و ترویج این ستون دین پرداخت.

می‌توان با وقف نمودن زیبایی‌های نماز را به همگان شناساند تا مشتاقانه به سویش بشتابند.



با وقف یک مسجد و نمازخانه در یک شهر، روستا و یا جاده، می توان برای بندگان حضرت حق، سجده گاهی عطرآگین بنا نمود که ذکر دوست بر لب و دلشان جاری شود. با وقف می شود کودکان را مجذوب نماز ساخت، غافلان را بیدار و عاشق و نیازدگان را شیفته سخن گفتن با خالق ساخت.

پی نوشت ها:

- ۱- غررالحکم، ص ۵۶
- ۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۹
- ۳- نهج الفصاحه، حدیث ۱۰۹۸
- ۴- سوره حج آیه ۴۱



گفتار نوزدهم:

بدهکاران شهدا بسم الله!

بیاپید لحظه ای تعارف و رودربایستی را با خودمان کنار بگذاریم و حساب کتاب کنیم؟ بینیم به چه کسانی بدهکاریم؟ چه کسانی به گردن ما حق دارند و به چه کسانی مدیونیم؟ درست که نگاه کنیم می بینیم همه ما به شهدا مدیون و بدهکاریم. بدهی کمی هم نیست. آنها چه کرده اند و ما چه؟ آنها جان دادند تا ما جان بگیریم. جان سپردند که ما دل و جان به دین بسپاریم.



درست که بنگریم می بینیم جان و دین و مال و فرزند خود را به شهدا مدیونیم. چرا که اگر از خود گذشتگی آنها نبود، اگر آنها از جان و مال و فرزندان خود چشم نمی پوشیدند، وضعیت ما معلوم نبود. اگر آنها برای حفظ دین جان خود را سپر بالای ما نمی کردند، معلوم نبود ما الان چه دین و آیینی داشتیم! اگر آنها در مقابل دشمنان ایستادگی نمی کردند معلوم نبود که تا الان چند کفن پوسانده بودیم. اینکه در کمال صحت و سلامت سرمان را بالا گرفته و بی هیچ ترس و واهمه‌ای زندگی می کنیم، مدیون شهیداییم. اگر آنها دل از جان و فرزند خود نمی کنند، معلوم نبود ما الان طوق اسارت کدام مستکبر را برگردن خود می دیدیم.

آری همه ما به شهدا بدهکاریم. بیایید بنشینیم و قدری حساب و کتاب کنیم شاید توانستیم بخشی از بدهی مان را به آنها بپردازیم. آنان جانشان را برای حفظ دین و جان ما دادند ما باید چه کنیم؟ آنها برای همیشه دست از جان شسته و همه تعلقات دنیایی شان را، از پدر و مادر گرفته تا زن و فرزند خویش، تنها گذاشته و پُر کشیدند، ما باید چه کنیم؟ چه کاری انجام دهیم تا این فداکاری بزرگ آنان را جبران کند یا لافل پرکاهی در مقابل کوه گذشت آنها عرضه کنیم؟ به نظر می رسد در مقابل گذشت همیشگی آنان از جان خود و دل کندن ابدی آنان از زن و فرزند و تعلقات و تمتعات دنیایی، باید کاری همیشگی و ابدی انجام داد. باید کاری کرد که تا ابد نام و یاد و خاطره آنها زنده باشد. باید کاری کرد که آنها تا ابد از بهره های معنوی این جهان استفاده کنند.

اما آن کار ماندگار و همیشگی چیست؟

وقف برای شهدا پرداخت تقسیطی بدهی است. با این کار می شود از فیوضات معنوی و همیشگی وقف بخشی از بدهی خود را به شهدا ادا نمود.

وقف برای شهدا، همان کار همیشگی است که اثرش تا ابد می ماند. می توان با وقف برای هر شهید در سرتاسر جهان جلوه گاهی از شهیدان برپا نمود تا عطر و رایحه دل انگیز شهید و شهادت که نوید بخش آزادی و آزادمردی است شامه جهانیان را پُر نماید.

موقوفه ای که برای شهید و به یاد شهدا بنا می گردد، می تواند محل ارتباط با آنان و زنده نگه داشتن یاد و خاطره آن عرشیان باشد که زنده نگه داشتن یاد آنها یکی از بهترین شیوه های تکریم و بزرگداشت شهدا است. تا جایی که امام خامنه ای فرمودند: زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست.

حسابش را بکنید، اگر بتوانیم برای هر شهید و به یاد هر شهید موقوفه ای بنا کنیم، چه تاثیر شگفتی بر جای خواهد گذاشت. اگر در هر کوچه و خیابان که مزین به نام شهیدی است موقوفه ای نیز برای او و به یاد او باشد، می توان ضمن زنده نگه داشتن یادش، محلی برای درآمد معنوی او درست نمود و تا ابد همگان را سر سفره شهدا مهمان نمود. می شود با ساخت و وقف مسجد، حسینیه، حوزه علمیه، مدرسه، درمانگاه و... به یاد و برای شهدا همه را دوباره نمک گیر شهدا نمود.

از سوی دیگر، در احوالات هر کدام از شهدا که بنگریم، در می یابیم که هر کدام از آنها، ماندن در زمین را برای هدفی و انجام کاری می خواستند. کاری که رضایت مولایشان را در انجام آن می دیدند. یکی رسیدگی به ایتم و یتیم نوازی را دوست می داشت لذا تا آن لحظه های آخر بخشی از



مال و وقت خود را صرف آن می نمود. آن دیگری به یادگیری معارف و علوم دینی علاقه مند بود، عزیز دیگری دوست داشت در مانگاهی برای مستمندان بسازد و آن دیگری انرژی هسته ای را ترجیح می داد. از این جهت سزاوار است بار زمین مانده آنان را برداشته و نیت آنها را به عمل تبدیل نموده و به پاس گرمی داشت فداکاری های آنان موقوفه ای به نام و یادشان و در راستای همان هدفی که دنبال می نمودند، بنا کنیم. ایجاد وقف برای شهدا، یک کار ماندگار است. با این کار می شود برای آنان خانه ای به وسعت زمان ساخت تا آیندگان نیز بدانند که زندگی خود را مدیون شهدا هستند و اکنون نیز با بهره گیری از موقوفه شهدا به نحوی دیگر مدیون آنان هستند.

وقف برای شهدا ضمن اینکه یاد و خاطره آنها را زنده نگه می دارد، پیام ایستادگی این ملت را به همگان مخصوصا دشمنان دین و نظام می رساند که ما تا ابد با شهدا زنده ایم و نمی گذاریم پرچمی که آنها برافراشته اند زمین بماند. آنان با جان جهاد نمودند ما با مالمان جهاد را ادامه خواهیم داد. تا ارتباطمان با آنها روزه روز محکمر و همیشگی شود.

آنان ایثار کردند و از جان گذشتند، ما نیز ایثار کنیم و از بخشی از مال بگذریم.





گفتار بیستم:

همسان شهادت

شهادت جان دادن نیست جان گرفتن است. مردن نیست، زنده شدن است. پایان نیست، آغاز است. آغاز حیاتی طیبه. هم برای آنها که این خلعت زیبا را برتن کرده و هم برای جاماندگان.

شهادت، پاداش از خودگذشتگی و ایثار است. رسیدن به قله اخلاق و انسانیت است، مُهر ختام ارزشهاست.

شهادت عبور از خود و فانی شدن در خداست. نقطه رهایی از تمام وابستگی های زندگی مادی است.

شهادت عاشقانه گرد محبوب طواف کردن است. سر بر خاک کوی جانان ساییدن است. چهره دلربای مولا دیدن و مستانه حسین حسین گفتن است.



فرهنگ شهادت و شهادت طلبی، فرهنگ عشق و بندگی است که با ترویج آن می توان جامعه را جامعه ای الهی نمود. باید دانست ملتی که با شهادت آشنا و مانوس است، ملتی که شهادت در راه خدا امید، افتخار و آرزوی او باشد، این ملت دیگر تن به ذلت نمی دهد. در مقابل هیچ دشمنی گردن کج نمی کند.

ترویج فرهنگ شهادت طلبی و انس با شهادت، عاملی تاثیرگذار در برانگیختن انگیزه ها برای خودسازی، ایثار و معنویت جامعه است. از این رو باید برای ترویج این فرهنگ مقدس و نجات بخش، برنامه ریزی عمیق و اساسی نمود. بهترین شیوه برای ترویج فرهنگ شهادت، زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهداست.

شهدا ستارگان آسمان عشقند. ره پویان عاشقی که راه صد ساله را یک شبه طی نمودند. و معبری از دل زمین خاکی به سوی عرش الهی گشودند. می درخشند تا راه را برای زمینیان بنمایانند. رفتند تا بمانیم. شهدا شاگردان مکتب عاشورا و آینه داران کربلایند. شهادت میراث کربلا و شهدا وارثان مکتب حسین اند. آنان از سیدالشهدا علیه السلام آموخته اند که راه مبارزه باشیاطین و پلیدی ها شهادت است. آموخته اند که اگر حفظ دین جز با کشته شدن امکان نداشته باشد، عاشقانه جان را به شمشیر بسپارند و خون را به پای محبوب بریزند.

شهید کسی است که قبل از شهادتش شهید شده باشد. هواهای نفسانی خود را در قربانگاه دوست سربریده تا چیزی جز هوای دوست در سر نداشته باشد.

از این روست که تکریم شهید یک وظیفه همگانی است. چرا که تکریم شهید نه احترام به یک فرد که بزرگداشت انسانیت است. زنده نگه داشتن

ارزش های الهی است. زنده نگه داشتن یک مکتب و روشن نگه داشتن چراغی برای هدایت است.

برای زنده نگه داشتن یاد و نام شهدا کارهای مختلفی به ذهن خطور می کند اما در میان تمام برنامه ها، باید بادوام ترین آن را انتخاب نمود. چرا که شهدا برای همیشه می درخشند. پس باید کاری ماندگار به وسعت تاریخ انجام داد که تا انتهای تاریخ یاد و نام آنها چراغ روشنی برای آیندگان باشد.

اما چگونه و چه کاری می توان انجام داد که چنین ویژگی را داشته باشد؟ پاسخش وقف است. وقف راه ماندگاری است. وقف می تواند عمل خیر را تا قیامت زنده و ثمربخش نگه دارد. از این رو باید برای شهدا وقف نمود تا درخشش این ستارگان آسمانی، برای زمینیان خاک نشین ملموس و محسوس باشد و هر روز نام و یاد آنان در گوش جامعه زمزمه شود.

می توان با وقف به نیت ترویج فرهنگ شهادت و ایثار، کاری کرد که حتی آیندگان نیز مکلف به ترویج این فرهنگ نجاتبخش باشند. وقتی موقوفه ای برای این امر مهم بنا شود، هم پشتوانه مادی این کار برای همیشه تامین می گردد و هم وظیفه بودن ترویج این مکتب به همگان گوشزد می شود.

از سویی نیز، می توان برای زنده نگهداشتن یاد شهدا، به نام هر شهید موقوفه ای بنا نمود. تا غیر از مزار پاکشان که زیارتگاه اهل دل است، جایی و مکانی در غربت شهر داشته باشند تا آنان که گذرشان به زیارتگاه قبورشان نمی افتد اینگونه آنان را که ولی نعمتان امت و کشورند را بیاد آورند. آنها که از هستی خود گذشتند بجاست که به پاس قدردانی از آنان، برای هر کدام موقوفه ای بنا نهاد تا هم یاد و نامشان زنده بماند و هم از فیوضات و آثار معنوی آن بهره مند گردند. امروزه که هر کوی و



برزن مفتخر به نام شهیدی از تبار حسین علیه السلام است، می شود در همان مکان برای آن شهید موقوفه ای بنا نهاد تا همگان با بهره مندی از آن موقوفه، یادی از آن شهید نمایند. باید با اشتیاق به سوی این امر شتافت. باید دانست شهدا به مانیاز ندارند. این ماییم که به آنها محتاجیم. آنان که در آسمان رحمت الهی سکنی گزیده اند و عند ربهم یرزقونند. ما به یاد و نام آنها نیازمندیم. از این رو باید برای آنها در شهر، محل و کوچه خود با بنای موقوفه ای، برای آن عرش نشینان، خانه ای فرشی بسازیم تا حضور آنان را که مایه برکت، نوع دوستی، عشق و ایثار است را در کنار خود احساس کنیم.

آنان که شهدا را دیده بودند، با آنان زندگی کرده و انس داشته اند، آنان که زنده شده ی خون شهدا، آنان که خود را و دین داری خود را مدیون شهدا می دانند، برای تکریم و سپاس از حقی که شهید بر آنها دارد می توانند برای آن سفر کرده، وقف نمایند و اینگونه ثابت کنند که ما برسر پیمانمان با شهدا ایستاده ایم و تا قیامت آنان را از یاد نخواهیم برد.

باید به این نکته نیز توجه نمود که اگر کسی اینگونه شهدا را تکریم کند پاداش و اجر بزرگ را برای خود به دست آورده است. اولاً خلعت واقف شدن را بر تن نموده، ثانیاً هر که از آن موقوفه بهره ای ببرد در ثوابش با آن شهیدی که برایش وقف کرده شریک خواهد بود و ثالثاً اجر شهید و شهادت را نیز از آن خود خواهد نمود. همان گونه که مقام معظم رهبری فرمود: امروز زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست.

آری با وقف برای شهدا می توان از اجر زنده نگه داشتن یاد شهدا بهره برد که نتیجه اش، کسب پاداش شهدا نه برای یک روز و دو روز بلکه تا قیامت است.



گفتار بیست و یکم:

هدیه ای برای تمام اموات

هدیه دادن، محبت و رابطه بین افراد را تقویت و باعث خوشحالی دیگران می شود. مخصوصا اگر کسی که هدیه را میگیرد به آن نیاز داشته باشد و بتواند با آن هدیه مشکلی را برطرف سازد. حال بهتر است به کسانی هدیه دهیم که نیازمندترند. اما از همه نیازمندتر چه کسانی هستند؟ در میان تمام افراد از همه گرفتارتر و محتاج تر اموات و گذشتگان هستند که دستشان از دنیا و اعمال صالح کوتاه شده



است. باید به آنها هدیه داد. ولی مگر می شود به اموات و مُردگان هم هدیه داد؟ آخر چه هدیه ای و چگونه؟ بهتر است پاسخ را از رسول خدا صلی الله علیه وآله بشنویم که فرمود: برای مُردگان خود هدیه بفرستید! گفتند: هدیه برای آنان چیست؟ فرمود: صدقه و دعا. ۱

آری با دعا و صدقه و انجام کارهای خیر می توان به اموات و گذشتگان هدیه داد. در این هدیه دادن هم می توان تمام اموات مومن و مسلمان را مدّ نظر قرار داد. چرا که وقتی عمل خیری به نیت جمیع اموات انجام گیرد، خداوند مهربان و کریم به هر یک از اموات پاداش آن کار خیر را می دهد بدون اینکه ذره ای از اجر آن کم شود.

گذشتگان خیلی چشم انتظارند. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ارواح مؤمنان هر جمعه، به آسمان دنیا در برابر خانه ها و منزل های خود می آیند و با صدای غمناکی ندا می دهند که ای خانواده ما، ای فرزندان ما و ای پدر و مادر و خویشان ما! به ما مهربانی کنید؛ از اموالی که در دست ما بود (و اکنون در اختیار شماست) با دادن درهمی و قرص نانی و جامه ای نسبت به ما ترحّم کنید، که خداوند شما را از جامه بهشت بیوشاند! ۲

از سوی دیگر هر کار خیر و صدقه ای که انسان برای اموات انجام دهد نصیب خودش هم می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: ثواب اعمال خیر، برای کسی که برای مُردگان انجام می دهد، برای او و برای آن مُرده، هر دو نوشته می شود. ۳

البته این رسیدن خیرات به اموات و تاثیری که در برزخ به حال آنان دارد از الطاف خداست که نشان از رحمت و مهربانی بی کران او دارد. در واقع نوعی ارفاق در حق گذشتگان است که پس از مرگ هم با

بهره مندی از اعمال بازماندگان، از لطف و رحمت خداوند ناامید نباشند. از طرفی نیز بازماندگان از عذاب شدن رفتگانشان در فشار و رنج روحی نباشند و برای تخفیف عذاب های آن ها، دست خود را بسته نبینند.

حال که اینگونه است باید برای اموات و گذشتگان کاری کرد. اما مومن زیرک است. لذا اگر می خواهد برای آنان کاری کند باید بهترین کار را انتخاب کند تا بیشترین نتیجه را به دست آورد. به راستی بهترین کاری که می شود برای اموات انجام داد چیست؟

پاسخش وقف است. با وقف به نیت خیرات برای گذشتگان، می توان تمام اموات مسلمین از اول خلقت تا قیامت را بهره مند ساخت. حُسن این کار این است که شامل خودِ واقف، فرزندان، اطرافیان و نونادگان وی نیز خواهد شد. چرا که دیر یا زود باید از این دیار ناپایدار رخت بریست و به دیار باقی شتافت.

وقف برای اموات، آثار زیادی برای واقف دارد. که از آن جمله؛ کسب خشنودی خداوند مهربان، بهره مندی از پاداش خیر رسانی به تعداد بی شماری از گذشتگان و کسانی که هنوز در قید حیات اند، برزخ سازی و از پیش فرستادن مصالح آباد نمودن برزخ خود است. از سوی دیگر واقف می تواند ملکی را به نیت خیرات برای اموات در راه کارهایی که دوست دارد وقف کند، مثلاً اگر یتیم نوازی را دوست دارد می تواند خانه ای را برای خیر رسانی به اموات وقف کند و آن را برای استفاده در اختیار ایتم قرار دهد تا تمام اموات از پاداش یتیم نوازی بهره مند شوند، حُسن این کار در این است که واقف، ملکش را برای انجام هرکاری که وقف کند علاوه بر پاداش وقف و خیر رسانی



به اموات، از پاداش آن کار نیز بهره مند خواهد شد. حال که اینگونه است بیایید تا جان در بدن داریم و قبل از اینکه به اموات ملحق شویم، برای گذشتگان و اموات کاری کنیم تا پس از ما نیز، دیگران ما را یاد کنند.



پی نوشت ها:

۱-۲- جامع الاخبار، ص ۱۹۷

۳- منازل الآخره ، ص ۵۰



گفتار بیست و دوم:

بعد از خداپرستی

خدا برایشان سنگ تمام گذاشته و خیلی تحویلشان گرفته است. تا جایی که احسان و نیکی کردن به آنها را پس از پذیرش خداوندی خودش قرار داده و فرموده: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۱ خدای تو حکم فرموده جز او هیچکس را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید.

خیلی حرف است! اینکه خدا، نه در یک آیه، بلکه در چند جای قرآن احسان به والدین را بعد از خداپرستی آورده است. از اینجا معلوم می‌شود



احسان به پدر و مادر بعد از توحید، واجب‌ترین واجبات است. هم چنان که عاق والدین بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است. ۲ به همین جهت این مسئله را بعد از توحید و قبل از سایر احکام اسم برده، و در موارد متعددی در قرآن مجید همین ترتیب را به کار برده است.

نیکی و احسان نمودن به والدین خیلی اهمیت دارد تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نیکی و احسان به پدر و مادر از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا افضل و برتر و ثوابش بیشتر است. ۳

اهمیت این موضوع تا آن حد است که هم قرآن و هم روایات توصیه می‌کنند که حتی اگر پدر و مادر کافر هم باشند احترامشان لازم است. در مقام شکر گذاری هم، احترام و تکریم پدر و مادر آنقدر ارزش دارد که امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس از پدر و مادر خود تشکر نکند و سپاس آنان را به جا نیاورد از خداوند تشکر نکرده است. ۴

حالا تصور کنید والدین کسی به مسافرت بروند، در آنجا دستشان خالی شود و به پول و احسان فرزندشان نیاز پیدا کنند، اینجاست که کمک و احسان نمودن فرزند واجب‌تر و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

با تصور این موضوع، نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که وظیفه انسان نسبت به پدر و مادر با مرگشان پایان نمی‌پذیرد. زیرا مرگ نیستی و نابودی نیست که وظیفه انسان هم نسبت به والدینش پایان پذیرد. بلکه آنان از شهری به شهر و منزل دیگری قدم گذاشته و در جهان برزخ به سر می‌برند. والدین بعد از مرگ، هر لحظه چشم انتظار حسنه و کار نیکی از طرف فرزندانشان هستند. در آنجا، بیش

از هر زمان و مکانی، به احسان و نیکی های فرزندان نیاز دارند. از این جهت فرزندان باید برایشان احسان کنند و توشه ای بفرستند. اگر تکلیف واجبی از آنان ترک شده، یا به دیگران بدهی و دینی دارند، برای انجام و پرداخت آن اقدام کنند و آنان را از گرفتاری نجات دهند. اگر کسی این وظیفه اش را به خوبی انجام دهد پاداش بزرگی هم نصیبش می شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت سرور نیکوکاران کسی است که پس از مرگ پدر و مادر نیز به آنها نیکی کرده باشد. ۵

احسان بعد از مرگ والدین، یک نوع جبران کم کاری های فرزندان است. کسی که در زمان حیات آنان نتوانسته کار شایسته و قابل توجه ای برای آنان انجام دهد، حتی اگر مورد غضب و عاق آنها هم قرار گرفته باشد، می تواند رضایت آنها را به این وسیله به دست آورد. در مقابل اگر کسی در زمان حیات والدینش نهایت احسان و احترام را به آنها داشته باشد ولی بعد از مرگشان آنان را فراموش کند و به آنها خوبی و احسان نکند چه بسا دچار عاق والدین و در نتیجه مورد غضب خداوند متعال قرار گیرد.

حالا که احسان بعد از مرگ والدین تا این حد اهمیت دارد، باید برای آنها کاری کرد. و چه کاری بهتر از وقف!

وقف برای والدین، احسانی ماندگار است. وقف احسانی است که از درایت و زرنگی سرچشمه می گیرد و می تواند خوبی به والدین را ابدی و تا قیامت رابطه ای از سر احسان بین فرزندان و والدینشان برقرار کند. وقف برای والدین یک محبت ابدی و یک ارادت همیشگی به آنهاست. با وقف می شود کاری کرد که علاوه بر زنده ماندن نام و یاد والدین، تا



قیامت چشمه ای از حسنات و خیرات به برزخ آنها جاری شود و وضع و حال آنها را هر لحظه بهتر و جایگاهشان را بالاتر ببرد. فرزندانى که والدینشان رخت از دنیا بر بسته اند مى توانند همگى جمع شوند و به پاس خوبى ها و رنجى که آنها برای فرزندانشان کشیده اند، ملكى را برای والدین خود، وقف نمایند که تا قیامت بواسطه آن وقف از خیرات و حسنات فرزندانشان برخوردار شوند.

پی نوشت ها:

- ۱- سوره اسراء، آیه ۲۳
- ۲- تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۱۰۵
- ۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۵۹
- ۴- خصال ص ۱۵۶، حدیث ۱۹۶
- ۵- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۴



گفتار بیست و سوم:

در انتظار ظهور

انتظار ظهور، یعنی لحظه شماری مشتاقانه برای ظهور منجی. چشم به راه بودن کسی که می آید و گلستانی از عدالت به پا می کند. اما باید توجه کرد که انتظار به معنی نشستن نیست، که منتظر در گوشه ای بنشیند تا مراد و محبوبش بیاید، بلکه انتظار یعنی هموار کردن راه برای آمدن منجی. یعنی قدم برداشتن در جهتی که او گام بر میدارد. انتظار یعنی اینکه منتظر خود را به محبوبش نزدیک کند، و فاصله های مکانی و زمانی بین خود و منتظرش را در عالم معنویت از بین ببرد. انتظار یعنی اینکه منتظر ببیند مولایش چه کاری می خواهد انجام دهد تا خودش عاشقانه به سمت انجام مقدمات آن برود و زمینه را برای ظهور منتظرش مهیا کند.



او که بیاید اولین کاری که می خواهد انجام دهد، ایجاد حکومتی توحیدی و اسلامی است. لازمه ایجاد چنین حکومتی نیز از بین بردن ظلم و استکبار است.

از این رو یکی از جمله اهداف عالی آن حضرت ایجاد و گسترش حکومت عدل توحیدی در سراسر جهان است. حکومتی که انسان‌ها را از قید غل و زنجیر مستکبران و ستمگران برهاند و تاج عزت بندگی خدا را بر سر آنان نهد.

ظهورش برای بر افکندن ظلم و بیداد و پر کردن جهان از عدل و داد است. می خواهد گلستانی از عدالت بگستراند اما تا علف های هرزه چیده نشوند، و با آفت ها مقابله نشود گل‌های زیبای عدالت سر بر نمی آورند.

او که بیاید حکومت مستکبران جبار را که خود را خدایان زمین می نامند، درهم می کوبد و به تاراج گری های شیاطین خاتمه می دهد.

مگر نه اینکه موعود منتظر وارث تمام انبیا و اولیاست، پس، می آید تا کاری که تمام انبیا و اولیا در پی تحقق آن بودند و بشارتش را می دادند به سر منزل مقصود برساند. مگر نه این است که مبارزه با ظالمان و مستکبران یکی از برنامه ها و کارهای مهم اولیا و انبیا بوده و فرهنگ مقاومت در برابر سفاکان و غارتگران هیچگاه از قاموس آنان محو نگردیده، پس او نیز برای برچیدن بساط ظلم، بی عدالتی و زور گویی، به جنگ قدرت های جهنمی و شیطانی می رود و آنها را از پای در می آورد.

و اما امروز اگر امام غائبمان در میان ما ظاهر بودند فرمان مبارزه با کدام ظالمین را صادر می کرد و خود به قیام بر علیه چه ظلم و چه

ظالمی اقدام مینمود؟ آیا در مقابل سفاکی های آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی ساکت می نشست و دم از سازش و مدارا می زد؟ در دنیای کنونی مظهر کامل و بارز ظالمان و دشمنان الهی، استکبار و صهیونیزم است. و اگر آن منتقم موعود بیاید با آنها مبارزه می کند و هیمنه پوشالیشان را درهم میشکند. استکبار و صهیونیستی که برای نشان دادن برتری خود، از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. از کشتن زنان و کودکان در عراق، فلسطین، افغانستان و... تا غارت نمودن ثروت های خدادادی کشورهای آفریقایی. از به زنجیر کشاندن مردان تا در تب و تاب گرسنگی نگه داشتن زنان و کودکان آن کشورها، از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند. ظالم تر از شیطان بزرگ کیست که برای بالا نگه داشتن قیمت یک ماده غذایی مثل گندم حاضر است آن را به دریا بریزد در حالی که کودکان گرسنه در کشورهای آفریقایی حسرت یک تکه نان را در سر دارند. لذا ما باید انتظار ظهور را به معنای مبارزه با استکبار و مبارزه با صهیونیسم بدانیم و این یعنی طی نمودن و هموار کردن راه ظهور.

شیعیان و منتظران بایستی پیشاهنگ مبارزه با ظالمان و جنایتکاران باشند و قاطعانه با پرچمداران زورگویی و فساد که همان صهیونیزم و شیطان بزرگ هستند، مبارزه کنند. به یقین هر حرکتی در جهت مبارزه با این مستکبران و زورگویان صورت گیرد قطعاً حرکتی در جهت ظهور امام زمان «ارواحنافاده» و یاری نمودن حضرت است و انتظار یعنی همین.

باید توجه نمود که زمان قبل و منتهی به ظهور میدان آزمایش و شناخته شدن منتظران واقعی است. اگر کسی میخواهد منتظر باشد



و منتظر بماند باید در صف مبارزان با استکبار و صهیونیسم درآید و به هر صورتی که می‌تواند امام زمانش را یاری نماید.

در این بین خوب است انسان در راه مبارزه با استکبار کاری کند که اثرش ماندگار و اجر مجاهدتش پایدار باشد و حتی پس از مرگ نیز پادش مجاهدت در راه انتظار و یاری نمودن منتظر، هر روز در نامه اعمالش ثبت گردد و او را تا قیامت منتظر موعود بدانند و بشناسند.

یکی از راه‌های جاودانه نمودن انتظار، وقف است که عملی ماندگار است و اثرش تا ابد باقی می‌ماند. اگر کسی مشتاق است نامش برای همیشه در زمره منتظران ثبت گردد میتواند برای یاری رساندن مولایش و در جهت مبارزه با استکبار و یاری نمودن مجاهدان این راه پر فضیلت، ملکی را در حد توان وقف کند تا از منافع وقفش، در جهت پیشبرد اقدامات محبوب غایب از نظرش، یک گام به بلندای تاریخ بردارد.

ایجاد موقوفات برای یاری رساندن به جبهه مبارزه با استکبار و صهیونیسم، می‌تواند عامل نشاط و امیدواری مستضعفین و در نتیجه افزایش روحیه آنان برای مقابله با دشمنان گردد و بخش قابل توجهی از مشکلات این راه را از میان بردارد.

اگر تلاشگران عرصه مبارزه بدانند که در این راه مقدس، موقوفاتی دارند قطعاً در راه جهاد و مبارزه خویش بهتر می‌توانند برنامه ریزی نموده و حرکت‌های موثرتری انجام دهند.

اگر برای هر یک از ما آرزومندان جهاد و شهادت، امکان حضور در صف مبارزه با صهیونیسم نیست، چرا با وقف بخشی از اموال و دارایی خویش به این فیض نائل نشویم. اصلاً مگر شرط گذشتن از جان، گذشتن از مال نیست و مگر می‌شود کسی از مالش نگذرد اما جان خویش را فدا

کند. حال هر که می‌خواهد جانش را فدای امام زمانش کند، بیاید، درنگ لازم نیست، دستمان که از دامان حضرت کوتاه است که هستی خود را برایش فدا کنیم، اما می‌توانیم در راه هدفش و آماده سازی زمینه ظهورش که همان مبارزه با استکبار است وقف کنیم و از این امتحان سربلند بیرون آییم؛ باشد که مقدمه بذل جانمان در رکاب مولایمان باشد. این هم یک نوع انتظارست؛ انشاءالله.





گفتار بیست و چهارم:

لبیک با رسول الله

به بهانه حمایت از مسلمان مظلوم میانمار

یاری رساندن به مظلومان و مستضعفان موضوعی است که در دین اسلام بر آن تاکید فراوان شده است. به حدّی که نبی خاتم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که صبح را آغاز کند در حالی که اهتمام به امور مسلمین نداشته باشد، مسلمان نیست. و فرمود: هر که فریاد کمک مسلمانانی را بشنود و پاسخی ندهد، مسلمان نیست. ۱ پیامبر مهربانی، از همان زمان، مظلومیت را در امت خویش می دید. او که تاب و طاقت به سختی افتادن امتش را ندارد؛ قبل از همه ندای «یا للمسلمین» سر داده و مسلمانان را به استمداد طلبیده است. از این رو خود به جای امت



مورد ستم قرار گرفته اش، دیگران را به کمک فراخوانده است. و می توان گفت؛ اگر امروز مسلمانی ندا سر می دهد ندای پیامبر است که از حلقوم پیروانش خارج می شود.

اسلام دین رحمت، فتوت، جوانمردی و دستگیری از هم نوعان است. اهتمام به امور مسلمانان اختصاص به قوم، نژاد و کشور خاصی ندارد، چرا که به تعبیر قرآن این هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً، ۲ امت اسلامی امت واحدی است و همه مسلمانان در مقابل یکدیگر مسئولیت مشترک و متقابل دارند. هیچ مسلمانی از دایره امت اسلامی و هیچ سرزمینی از گستره سرزمین های اسلامی خارج نیست. از این رو مسلمانان باید فراتر از علقه های ملی، به سوی گره گشایی از امور سایر مسلمین بشتابند. از سوی دیگر در تمام دوران پس از خلقت انسان، همواره ظالم و مظلوم وجود داشته و پیوسته اراده الهی بر مبارزه با ظلم و ظالم و یاری نمودن مظلوم تعلق گرفته است.

در عصر حاضر نیز هر از گاهی در بخشی از سرزمین امت اسلامی، علی رغم پیشرفت های مادی چشمگیر، ددمنشان با ابزار توحش، نسل کشی و ظلم و تجاوز، سعی در محو نمودن اسلام و آثار اسلامی دارند. یک روز در لبنان و فلسطین، دیگر روز در بحرین، قطیف عربستان و... امروز در میانمار.

مسلمانان مظلومی که به اجبار از خانه و سرزمین خود رانده شده اند، اکنون ندای یا للمسلمین سر داده اند. امروز ندای هل من ناصر از حلقوم آنان، بر پیکره امت اسلامی طنین انداخته و منتظر لبیک هم کیشان خود هستند.

امروز چشمان گریان یتیمان امت محمد صلی الله علیه و آله به یاری

پیروان راستین پیامبر رحمت دوخته شده است.

آنان که بی پناه و آواره گشته اند و شبانگهان گرسنه سر بر بالین می گذارند، منتظر یاری اند. افسوس که مبارزه و مقابله حضوری میسر نیست، اما راه بذل مال که باز است. هر کس به هر شکلی که می تواند باید برای اثبات مسلمانی خویش به یاری این ستم دیدگان بی پناه بشتابد.

باید برای آنها کاری کرد. هر کس باید به قدر وسع خود به یاری آنان بشتابد. امثال دعوت پیامبر (صلی الله علیه وآله) یاری همگان را به هر شکلی و در اسرع وقت می طلبد.

اما اشتیاق و عشق به اجابت دستور پیامبر خدا اقتضا می کند، قبل از آنکه از حلقوم مظلومی، نوای «یا للمسلمین» رسول الله خارج گردد، به یاری اش شتافت و برایش چاره جویی نمود.

آنان که تاب دیدن حزن و اندوه پیامبر خویش را ندارند، قبل از آنکه آه مظلومی دل رئوف پیامبر را آزرده کند، به فکر یاری رساندن هستند. عشق لبیک به امر رسول خاتم آنان را وا می دارد که برای تمام مظلومان عالم، برای ستم دیدگان تمام دوران ها، چاره جویی و یک اقدام اساسی و بنیادین کنند. اما چگونه؟

کدامین عمل لبیک ما را تا ابد امتداد می بخشد؟

وقف راه تداوم بخشیدن است. با وقف می توان، یک کار اساسی و ماندگار برای حمایت از مظلوم انجام داد.

بیاید نه تنها برای این درماندگان که برای تمام مظلومان تاریخ کاری کنیم که پس از ما نیز هر مسلمانی در هر منطقه ای، اگر دست یاری دراز نمود، اجابتش کنیم، هر چند که رحل اقامت از این دنیای فانی



برچیده باشیم.

بعد از وفات و مرگ نیز می توان به مظلومان عالم کمک کرد. می شود از هم اکنون به فکر مظلومان آتی این دنیای فانی بود. می توان از هم اکنون گرد غربت از چهره ستم دیدگان برگرفت. می شود به پهنای تاریخ اشک از چشمان یتیمان امت نبی خاتم پاک کرد و تا ابد در صف اول یاری رسانان، قرار گرفت.

اگر دنبال راهی هستید که اینگونه تا ابد بمانید، راهش وقف است. بیایید با وقف کردن برای مسلمانان مظلوم، نام خود را در زمره اجابت کنندگان پیامبر اعظم قرار دهیم.

با وقف می شود برای حمایت از مظلومان، امید و آینده روشن را به ارمغان آورد.

با وقف می شود قبل از اینکه مظلومی آواره و منتظر کمک دیگران شود، برایش ذخیره ای ساخت و به استقبال یاریش شتافت.



گفتار بیست و پنجم:

فرا تر از سنگر

وقتی دشمن روز به روز مجهز می شود، تاکتیک حمله اش را تغییر می دهد، یا با سلاح های جدیدی وارد میدان مبارزه می شود، باید به فراخور نقشه، توان و سلاح های دشمن، خود را تقویت نمود تا در میدان کارزار شکست نخوریم.

در گذشته دشمنان با شمشیر و تفنگ و یا با سلاح های مجهز تر به میدان کارزار با اسلام هجوم می آوردند. اما امروز بدون لشگرکشی و بدون هیچ



سروصدایی با لشگریانی نامریی و نامحسوس به دل و فکر جامعه اسلامی هجوم آورده اند. آنان خوب فهمیده اند که برای غلبه بر مسلمین باید مرکز فرماندهی را مورد هجوم قرار دهند. وقتی بتوانند فکر مردم را عوض کنند، اعتقاداتشان را سست نموده و مدیریت قلب و افکار به دست گیرند، به مطلوب خود رسیده اند؛ چرا که مدیریت افکار یک جامعه مدیریت اعمال و افعال آنان را در پی دارد.

امروز دشمنان برای رسیدن به این هدف وارد عرصه شده و با ابزارهای جدید و مدرنی به جوامع اسلامی هجوم آورده اند. هر چه زمان هم جلوتر می رود ابزار تهاجمی آنان نیز خطرناکتر، به روزتر و پیشرفته تر می گردد. طبیعی است که در مقابل این هجوم گسترده و خاموش نباید دست روی دست گذاشت و نظاره گر بود. غیرت دینی اجازه نمی دهد که انسان مسلمان خاموش بنشیند و تماشاچی باشد.

غیرت دینی، مسلمان را به دفاع و مقابله به مثل فرا می خواند. باید در مقابل این هجوم دشمنان به آنان حمله ور شد. باید برای دفاع، سنگرهای آنان را یک به یک فتح نمود. اما این کار نیاز به سلاح و ابزارهای جدید و مدرن دارد. تنها با سلاح های قدیمی و سنتی نمی توان مقابله کرد. باید به وسایل و ابزار نوین مجهز شد. باید علاوه بر حفظ شیوه های سنتی تبلیغ دین، پاسخ به شبهات، تبیین و زیبایی های دین و مکتب در قالب های جدید ارائه گردد تا بتوان مدیریت بخش قابل توجهی از افکار جامعه را در دست گرفت.

برای مبارزه با دشمنان یکی از ضروری ترین مسائل، مسئله پشتیبانی مادی نبرداست. اگر پشتیبانی مادی وجود نداشته و یا ضعیف باشد تجهیز به وسایل مدرن سخت و احتمالاً امکان پذیر نمی باشد. در هر نبردی باید

عقبه مادی مناسب و درخوری داشته باشد تا در سریعترین زمان ممکن به تهیه وسایل مورد نیاز و تجهیز رزمندگان پرداخت. از دیگر رو، مبارزه و نبرد با دشمنان، تا ظهور منجی بشریت عجل الله تعالی فرجه، که پرچم مبارزه را به دست میگیرد، ادامه دارد، لکن قالب های مبارزه تغییر می کند. امروز یکی از میدان های جنگ، فضای سایبری، رسانه، ماهواره و... ابزاری از این دست است و فردا نیز ابزارها پیچیده تر و جدیدتر. از این رو باید برای پشتیبانی مادی و پیروزی در این میدان کاری ماندگار کرد. باید سرمایه ای جاودان، برای تبلیغ دین در قالب ابزار جدید و نوین کنار گذاشت.

این کار ماندگار و سرمایه جاودان «وقف» است. با وقف برای ترویج دین بوسیله ابزار نو و جدید می توان تا قیامت در زمره حامیان دین قرار گرفت. می توان با وقف نمودن به این شیوه، در هر زمینه جدیدی که پیش آید برای تبلیغ دین و مبارزه فرهنگی با دشمنان استفاده نمود.

امروزه استفاده از پیامک در بین جامعه بسیار رایج شده است، و انس با آن، ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده است و سالانه هزینه های بسیار زیادی صرف استفاده از این ابزار می شود. از سوی دیگر بسیاری از پیامک ها فاقد محتوای مناسب بوده و یا ممکن است حاوی مطالب خرافی و گمراه کننده باشد. دشمن هم در راه اهداف شوم خود کمال استفاده را از این وسیله نموده و هر شبهه ای را که بخواهد مستقیم به ذهن مخاطبان القا می کند. از این رو می توان با وقف برای ترویج دین در شکل های مدرن، از فضای پیامک برای علم آموزی و ترویج دین بهره برد.

فضای سایبری و مجازی نیز که مخاطبین زیادی را به خود اختصاص داده، اگر با موقوفاتی که به نیت ترویج دین در قالب های جدید هستند،



حمایت شوند، می تواند فضای تبلیغی چهره به چهره را افزایش دهد. و این همان مطالبه ای است که فرماندهی کل قوا امام خامنه ای از مسئولین مربوطه خواسته و فرمودند: اکنون عرصه های متعددی برای وقف وجود دارد که از جمله آن... ترویج دین به شکل های مدرن است.





گفتار بیست و ششم:

تیر وقف در قلب استکبار

قدس شریف حریمی الهی و مقدس است که افتخار قبله اول بودن را دارد. به خود می‌بالد که بهترین مخلوق خدا همراه با یارانش به سوی او نماز اقامه کرده‌اند.

در وصف عظمتش همین بس که در شب معراج، سکوی عروج پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به آسمان‌ها بود و در زمان ظهور آخرین حجت الهی، محراب نماز او.



بیت المقدس، محل بعثت بسیاری از انبیاء است. سرزمینی از نور است که پیامبران بزرگی در آن آرمیده اند.

قدس از شعائر و نشانه های بزرگ الهی است. اما اکنون این حلقه وصل دردمندان و این آرمان آزادیخواهان در بند سفاک ترین انسانها قرار گرفته است. تمام کفر و شرک با پشتیبانی از رژیم می خونخوار و جنایتکار آمده اند که این نشانه الهی را نابود کنند. از این روست که تمام مسلمین جهان وظیفه دارند به دفاع از آن برخیزند و با جان و دل برای آزادیش قیام کنند. چرا که قدس تنها یک مسجد نیست که روزگاری قبله اهل دل بوده، از همان ابتدا نماد مقاومت و مبارزه با شیاطین بوده است. پایگاه نبرد و خط مقدم جهاد با کفار است. قدس تنها یک مکان در گوشه ای از جغرافیای زمین نیست، بلکه میعادگاه مجاهدان الهی در نبرد با شیطان است، میدان آزمون و آزمودن مردان خداست. محل تلاقی لشکریان حق و باطل است. محل شناخته شدن مردان از مردنمایان است. لذا هر که دل در گرو جهاد الهی دارد، هر که می خواهد خدا را یاری رساند، تقویت و حمایت از این پایگاه رفیع را نشانه می رود. افسوس که راه بذل جان برای رها سازی این قبله باز نیست تا پروانه وار گرد آن شمع محصور، جان را نثارش کنیم.

چه می توان کرد. چاره چیست؟

باید توجه نمود که باب جهاد هیچگاه بسته نمی شود. می توان با جهاد مالی به حمایت از این قبله نخست پرداخت، آن را تقویت نمود و به مجاهدان قدس شریف، امید و روحیه ای تازه بخشید. با بنیة مادی می توان به حفظ، نشر و ترویج ارزش های قدس پرداخت و آن را به همه جهانیان معرفی نمود.

اما بهتر است برای اهتزاز پرچم عبودیت در مسجدا لاقصی، پشتوانه مالی

مداوم ایجاد نمود تا این حرکت جهادی تا زمان ظهور و حکومت صالحان ادامه یابد. آن هنگام که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، رخ بنماید و عیسیای نبی نماز خود را به امامت مولایمان در مسجدالاقصی اقامه کند.

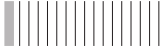
راه تداوم حمایت های مادی را نیز پیشوایانمان با گفتار و رفتار خویش به ما آموخته اند. وقف راه جاودانه بودن و جاودانه نمودن است.

مگر نه این است که برای هر مسجدی موقوفه هایی است که هزینه هایش را تأمین نماید. اکنون اگر کسی می خواهد در زمره آبادگران مساجد قرار گیرد و برای عمران مسجدی قدم بردارد و وقفی نماید، چه مسجدی بهتر و شریفتر از مسجدالاقصی. که هم مهد عبادت است و هم پایگاه استقامت. که هم نماد سنگ زدن شیطان است و هم سمبل مبارزه با لشکریان شیطان. می توان با ایجاد موقوفه هایی تا ابد به نصرت این تجلی گاه الهی شتافت و به مبارزان حال و آینده این راه مقدس، امید و دلگرمی داد تا بدانند که خیرین با مال خود به پشتیبانی از آنان قیام کرده اند.

می شود با وقف، به حمایت از مسلمانان مظلومی پرداخت که به دلیل محافظت از این مسجد شریف، قتل عام می شوند.

با ایجاد موقوفه هایی برای این مسجد می توان تمام اقداماتی که در راستای حفظ و اعتلای نام و یاد آن است را، تحت الشعاع قرار داد. از حمایت مبارزانش گرفته تا دلجویی از مظلومانش. از جهاد علمی و عملی گرفته تا جهاد در فضای سایبری و مجازی. از جهاد در فضای هنری گرفته تا جهاد در عرصه فکر و اندیشه و قلم.

می شود با وقف نمودن برای این مسجد، سنگی ساخت برای زدن بر پیشانی شیطانیان.



باید توجه کرد که وقف نمودن برای این مسجد شریف، نه وقف برای یک مسجد در گوشه ای از زمین است، که یک اقدام جهانی است. چرا که قدس شریف نه به یک قوم و یک ملت، که متعلق به تمام مسلمین جهان است. مسجدی است که دل‌های جهانیان را متوجه خود کرده است. این مسجد تاثیری فراتر از زمان و مکان دارد. حال و آینده مسلمین با آن پیوند خورده است.

منتظران مصلح جهان، باید جهانی بیندیشند و جهانی عمل کنند. وقف برای این مسجد شریف، نمونه ای از جهانی اندیشیدن و جهانی عمل کردن است. مصداق خارج شدن از تعلق زمان و مکان و خالصا لوجه الله عمل کردن است.

وقف برای قدس شریف، تیری به بلندای تاریخ است به قلب تیره استکبار. معنای این عمل این است که مسلمانان تا ابد از قدس و آرمان‌هایش دست برنمی‌دارند و بر سر این موضوع با هیچ کس سازش نمی‌کنند.



گفتار بیست و هفتم:

همه می توانند

با شنیدن کلماتی مثل وقف، واقف، موقوفه و ...، تصویری از افراد ثروتمند و نیکوکار در ذهنمان ترسیم می‌شود که بخشی از اموال خود را برای خدمت به دیگران می‌بخشند.

اما ممکن است هیچ‌گاه تصور نکنیم که ما هم می‌توانیم یکی از همین واقفین باشیم.

از خود می‌پرسید چگونه؟

تصوری غلط که در ذهن اکثر ما نقش بسته، این است که فکر می‌کنیم که وقف نمودن تنها از دست ثروتمندان بر می‌آید و ما که دارایی آنچنانی نداریم، نمی‌توانیم واقف باشیم. اما بهتر است بدانیم که موقوفات حتماً



نباید ساختمان و زمین و چیزهایی از این قبیل که از عهده‌ی امثال ما خارج است باشد؛ بلکه می‌شود با درآمد و حقوقی اندک به بزرگان دین اقتدا کرد و مانند آنها به خیل واقفان پیوست.

به عنوان مثال یکی از کارهایی که ثواب و پاداش بسیار بزرگی دارد تشنه‌ای را سیراب کردن است تا جایی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بالاترین و بهترین صدقه، صدقه‌ی آب است ۱ و یا در جایی دیگر فرمودند: نخستین چیزی که در روز قیامت رسیدگی می‌شود صدقه‌ی آب دادن است ۲.

و یا در روایت دیگری فرمودند: هر کس در بیابان چاه آبی حفر کند و یا حوضی بسازد ملانکه‌ی آسمان بر او درود می‌فرستند و برایش به ازای هر انسان، حیوان یا پرنده‌ای که از آن آب می‌نوشد ثواب هزار کار نیک مورد قبول واقع شده و ثواب آزاد کردن هزار بنده از فرزندان حضرت اسماعیل علیه‌السلام و قربانی کردن هزار شتر می‌نویسند و بر خدا لازم می‌شود که او را در بهشت اسکان دهد ۳.

جالب است بدانیم که حتی آب دادن به حیوانات و پرندگان نیز از پاداشی عظیم برخوردار است. تا جایی که خداوند متعال کافری را به خاطر آب دادن به یک سگ آمرزید و به پیامبرش وحی نمود که او را آگاه سازد که اعمالش را از سر گیرد و سعدی این سخن را چه نیکو به شعر در آورده است:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت
 برون از رمق در حیاتش نیافت
 کله دلو کرد آن پسندیده کیش
 چو حبل اندر آن بست دستار خویش



به خدمت میان بست و باز و گشاد
سگ ناتوان را دمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد
که داور گناهان او عفو کرد

آری ما می‌توانیم با وقف نمودن یک دستگاه آب‌سردکن، پاداش سیراب نمودن صدها نفر را از آن خود کنیم علاوه بر اینکه در ثواب ذکر «سلام بر حسین» تشنه لبانی که از آن می‌نوشند نیز شریک شویم. حتی اگر به تنهایی نیز قادر به این کار نیستیم می‌توانیم با همکاری و مشارکت دوستان و آشنایان این کار را انجام دهیم. از سوی دیگر می‌توانیم با انجام این کار پر اجر، ثوابی عظیم تقدیم اموات و گذشتگان نماییم.

باور کنید این کار کوچکی نیست. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام چاه‌های فراوانی را با دست خود حفر نمودند و برای استفاده‌ی دیگران آن را وقف نمود.

حال که این چنین است باید برخیزیم و با گفتن یک یا علی به مولایمان اقتدا کنیم و از واقفان شویم.





گفتار بیست و هشتم:

سهام نیکوکاری

برخی کارها هستند که از دست مردم عادی بر نمی آید. گاهی نیز افراد خاصی که بتوانند آن کارها را انجام بدهند یا وجود ندارند و یا در دسترس نیستند

فرض کنید در خیابانی یا کوچه‌ای، سنگ بزرگی سر راه رفت و آمد مردم قرار گرفته و مشکلاتی را برای همگان بوجود آورده است. سنگ بزرگ است و هیچ کس را توان برداشتن آن نیست. آیا باید دست روی دست گذاشت و از خیر برداشتنش گذشت. چاره‌ی کار چیست؟ آیا به مجرد



پیدا نشدن فردی قدرتمند، تکلیف ساقط می‌شود؟ بی‌درنگ همگان این مسئله را تأیید می‌کنند که باید همه‌ی افراد برای برداشتن این مانع بسیج شوند و هر کدام زحمت بلند کردن قسمتی از آن را متحمل شوند تا از سر راه مردم برداشته شود.

گاهی مسئله‌ی وقف نیز اینگونه است.

به عنوان مثال، در شهر و منطقه‌ای، برای اسکان ایتام و کودکان بی‌سرپرست مکان خاصی وجود ندارد. مردم آن منطقه هم قدرت خرید و یا تهیه مکانی را برای آنها نداشته، اما خیلی علاقه دارند که برای آنها کاری انجام دهند. در این صورت اگر کل هزینه را به سهم‌هایی تقسیم کنند و افراد به فراخور توان مالیشان به این امر مهم بپردازند، هم مشکلی از مشکلات آن منطقه رفع شده و هم فرصت این عمل خیر به افراد غیر متمول نیز داده شده است.

مسئله‌ی تسهیل در وقف یکی از کارهای بسیار مهم و باارزش است که باید به آن بیش از پیش پرداخته شود. به طوری که هر کسی با هر توان مالی بتواند افتخار واقف شدن را داشته باشد.

در جامعه‌ی ما افراد زیادی پیدا می‌شوند که علاقه‌ی وافری دارند به اینکه صدقه‌ی جاریه‌ای از خود به یادگار بگذارند اما به سبب مشکلات و توان پایین مالیشان نمی‌توانند به این امر مهم مبادرت ورزند.

آیا درست است که به آنها گفته شود دست از این انگیزه‌ی نیکشان بردارند؟ یا بهتر این است یک برنامه، ایده و طرحی ویژه برای این قبیل افراد تدوین شود تا آنان نیز در این کار مهم شریک شوند.

از این رو باید امکان واقف شدن را برای همگان فراهم و شرایط این فضیلت ماندگار را برای همگان تسهیل شود.

می شود برنامه ای طراحی شود و در اختیار خانواده ها، جمع دوستان و همکاران، اهالی یک منطقه و شهر قرار داد تا به فراخور نیاز منطقه و یا علاقه آنها به وقف گروهی و مشارکتی روی آورند.

افراد یک خانواده، یا جمعی از دوستان، همکاران و کسانی که علاقه به وقف و انجام امور خیر دارند، می توانند گرد هم آیند، دست در دست هم نهاده و با همدلی و اتفاق نظر، گزینه ای را برای وقف انتخاب نموده و با تقسیم هزینه ساخت در قالب به سهام، هر کدام با پذیرفتن بخشی از آن، موقوفه ای را بنا و به خیل واقفان بپیوندند.





گفتار بیست و نهم:

ما و خیانت به حضرت دوست، هیئات!

زیستن و بودن در زمان سیدالشهدا علیه السلام آرزوی هر عاشق دلباخته ای است، تا پروانه وار گرد وجودش بگردد. چه می توان کرد! زمان، بین ما و مولایمان فاصله انداخته و چشم را از دیدن جمال ملکوتی اش محروم ساخته است. اما مهمتر از زیستن در زمان آن حضرت، زندگی در مسیر رضایت آن سلطان عشق است.

بیاید لحظه ای به عقب برگردیم و خود را در زمان حضور امام حسین علیه السلام تصور کنیم. قاصدی خبر می آورد که آقا، می خواهد زمین، خانه و یا یکی از املاکش را اجاره دهد. چه می کنیم؟ قطعاً می شتابیم. چرا که مستاجر مولا بودن افتخاری است که سرودست شکستن برای رسیدن بدان می ارزد. خانه و زمین متعلق به آن بزرگوار، مال و ملک



طیب، طاهر و پربرکتی است که نمونه اش را نمی توان پیدا نمود. اگر در صف متقاضیان درآمدی، با تمام وجود دلت میخواهد حتی چندین برابر ارزش اجاره را هم بپردازی تا مستاجر آن حضرت باشی. تو که واله و شیدای حسینی و دنبال بهانه، برای فدا نمودن جان و مال و فرزندان برای او بوده ای، چرا چنین نکنی! ملک را که اجاره کردی در پوست خود نمی گنجی، سندش را در دست می گیری و مستاجر مولا شدنت را با افتخار همه جا، جار میزنی. در داخل خانه به چشم قداست به آن می نگری و سراپا چشم می شوی که از خانه امام خویش، تا آن موقع که در اختیار توست به خوبی مراقبت کنی تا آسیبی بدان وارد نیاید. و اگر مولا تو را لایق بدانند که متولی و وکیل اموالش شوی، چنان شور و شعفی به تو دست می دهد که در سعادت، نظیر می طلبی. هنگام اجاره دادن ملک متعلق به آقا، از هر جهت مراقبی تا اولاً آن را به کسی اجاره بدهی که لیاقت داشته باشد. ثانیاً در اجاره دادن و مبلغ اجاره، نمی گذاری روابط بستگان و آشنایان یا ترس و خجالت از دیگران بر ارادتت به سیدالشهدا علیه السلام غلبه کند و منفعت آنها را بر امام ترجیح نمی دهی. ثالثاً اگر مستاجری در پرداخت اجاره و یا حفظ مال کوتاهی کند بی هیچ درنگ و ملاحظه ای با او برخورد میکنی تا حق مولایت پایمال نشود.

حال در همان زمان اگر کسی پیدا شود و بخواهد اجاره را کمتر بپردازد و یا در پرداخت اجاره بها کوتاهی کند یا از خانه ای که اجاره کرده خوب مراقبت نکند، با چه دیدی به او می نگریم؟ آیا او را مورد شماتت قرار نمی دهیم؟ اگر کسی که وکیل و متولی از سوی مولاست در وظیفه خویش کوتاهی کند و یا نتواند حق مولایش را بر دیگران مقدم دارد و

در نتیجه به منفعت آنان بیشتر بها بدهد، با چه دیدی به او می نگریم؟ آیا این کار او را شبیه دوستان مولایمان می کند یا دشمنانش؟! به زمان کنونی برگردیم.

ما شیعیان اعتقاد داریم که اهل بیت علیهم السلام به ما و اعمال ما احاطه دارند و به تعبیر قرآن کریم اعمال ما را می بینند. ۱ در زیارتنامه هایشان شهادت می دهیم که آنها ما را می بینند و کلام ما را می شنوند و سلام ما را پاسخ می دهند. آنها همیشه حاضرند هر چند که ظاهر نباشند.

از سوی دیگر مگر نه این است که قسمت عمده ای از موقوفات برای اهل بیت و مخصوصا سیدالشهدا علیه السلام است؟ و مگر نه اینست که مالی که برای آنان وقف شده باشد همانند همان ملکی است که در زمان حیاتشان به آنها تعلق داشت؟ و در یک کلام؛ موقوفات آنها همانند ملکشان در زمان حیات است.

پس چرا؟

چرا بعضی وقتی می خواهند موقوفه ای را اجاره کنند به هر دری می زنند و به هر کسی متوسل می شوند تا اجاره کمتری پرداخت کنند؟ چرا برخی موقوفه را مال بی صاحب می پندارند و ارزشی برای آن قائل نیستند؟

چرا بعضی از خانه و کاشانه خود بیش از موقوفه مراقبت می کنند و ناخواسته خود را بر صاحب موقوفه که اهل بیت علیهم السلام هستند، مقدم می دارند؟ چرا برخی از وکلا و متولیان در اجاره دادن موقوفه، به اندازه ای که برای دارایی خود حساسیت نشان می دهند برای موقوفه دل نمی سوزانند؟



چرا برخی برای احقاق حقوق موقوفه، آنگونه که شایسته است تلاش نمی کنند و حتی گاهی کوتاهی می کنند؟ و چرا...؟
 از این دست چراها زیاد است و مجال برای پرداختن بدان کم.
 پس مهم این است که بدانیم، کوتاهی در امور موقوفات اهل بیت علیهم السلام، کوتاهی در حق آنهاست. از این رو همه در مقابل موقوفات مسئولیم و باید در نحوه استفاده، هزینه، اجاره و احقاق تمامی حقوق مربوط به آن، اهل بیت عصمت و طهارت را برخورد و بر دیگران مقدم داریم تا شرمنده آنها نباشیم. انشاءالله.





گفتار سی ام:

شکم هایی پر از آتش

یک خبر بسیار مهم و قابل تامل! بعضی افراد هستند که آتش می خورند. حتی ممکن است خودشان هم نفهمند. حتماً باورش برایتان سخت است و حتی ممکن است بگویید دروغ است، مگر می شود کسی به خودش رحم نکند و آتش بخورد. حتی دیوانه ها هم این کار را نمی کنند. نه اصلاً نمی شود و محال است. اما این خبر را از منبع بسیار موثق و مطمئنی برایتان نقل می کنم که در صحت خبرهایش هیچ



تردید و وجود ندارد. آن منبع موثق، قرآن کریم است که به تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راست ترین سخن، رساترین پند و زیباترین حکایت است. از این رو علاوه بر احترام فراوانی که برای آن قائل هستیم باید با توجه، دقت و عمل به آیات آن، احترام و ارزش واقعی را به این کتاب آسمانی بگذاریم. خداوند متعال می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا
وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا ۝۱ آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند شکم خویش پر از آتش می کنند و به زودی در آتشی افروخته وارد خواهند شد.

آری آنان که شکم خود را از آتش پر می کنند کسانی هستند که به ناحق به مال یتیم تجاوز می کنند و با خوردن این مال که بدترین حرام خوری هاست روح، وجدان، دین و معنویت خود را به آتش می کشند. تا جایی که به جنگ با امام معصوم می آیند و او را به قتل می رسانند. مگر نشنیده‌اید که روز عاشورا امام حسین علیه السلام پر بودن دل‌ها از مال حرام را، علت تاثیر نگذاشتن کلام نورانی و قدسی‌اش، در دل‌های آن سنگدلان دانست؟ البته اگر بیشتر دقت کنیم این نکته را بهتر درک می کنیم که آن همه ددمنشی و وحشی گری‌های آن ملعونان تاریخ نتیجه حرام خوری‌های مطلق آن قوم پلید بوده، اما اگر کسی به این نوع حرام خوری آتشین، یعنی خوردن مال یتیم روی آورد عاقبت کارش به کجا می انجامد، خدا می داند!

نکته‌ای که باید خیلی به آن توجه کنیم این است که خوردن مال یتیم چگونه رخ می دهد؟ آیا خوردن مال یتیم فقط به این است که مالی به زور از او گرفته شود؟ اما فقط این نیست. هر کس در هر شغل

و منصبی ممکن است خدایی ناکرده به این گناه بسیار بزرگ مبتلا شود

لذا باید خیلی دقت کرد. مثلاً یک کاسب ممکن است با گران فروختن جنسش به یک یتیم این آتش را ببلعد و دیگری که ممکن است تعمیرکار، پتّا، پزشک و یا راننده تاکسی باشد با دریافت دستمزد اضافی در مقابل خدمتی که ارائه کرده، شکم خود را به انبار آتشین این مال تبدیل کند.

اما یک نوع دیگری از مال یتیم خوری هست که گناهش هم بیشتر است و آن خوردن موقوفه‌های ویژه ایتم است. چرا که در اینگونه موارد هم موقوفه خواری رخ داده و هم خوردن مال یتیم.

کسی که در موقوفه‌ای که متعلق به ایتم است، و یا اجاره آن صرف ایتم می‌گردد، سکونت دارد و یا در زمینی و حتی در شهر و روستایی که برای ایتم وقف شده منزلی ساخته و اجاره بهای آن را آنگونه که باید پرداخت نمی‌کند، یا به هر نحوی می‌خواهد از زیر بار این وظیفه شانه خالی کند تا شاید اجاره کمتری بدهد تا مال بیشتری جمع کند، در واقع آتشی سوزان را در دل خود پس انداز می‌کند و در قیامت هم در حالی محسور می‌شود که آتشی از درون او زبانه می‌کشد و دود از دهان و بینی و گوش و چشمش بیرون می‌آید، و به این نشانه همه کس او را می‌شناسد که خورنده مال یتیم است چرا که خوردن مال یتیم از گناهان بسیار بزرگی است که خداوند وعده آتش بر آن داده است.

البته کسانی هم که متولی موقوفات ایتم هستند هم باید خیلی دقت کنند که خدایی ناکرده با سهل انگاری، گذشت های بی مورد و یا



تصرفات بی فایده و کم فایده و یا با اهمال کاری و بی دقتی و... حقی
و لو به ظاهر کوچک از اموال ایتام پایمال نگردد که گناهی بس عظیم
است و سبب محشور شدن با خورندگان مال یتیم می شود.



پی نوشت:

۱- سوره نساء آیه ۱۰



خاتمه

تعریف وقف

وقف در لغت به معنای «ایستادن»، «ساکن کردن»، «اقامت کردن» و «حبس کردن» می باشد و در اصطلاح فقهی آن است که انسان ملکی را ثابت نگه دارد و منافع آن را برای شخص یا اشخاص یا برای کار و یا مصرفی معین کند؛ مانند این که زمینی را برای مسجد یا حسینیه یا مدرسه و یا فقرا قرار دهد.



به مالی که وقف می شود «موقوفه»؛ به وقف کننده آن «واقف» و به کسی که برای او یا مصرفی که برای آن وقف شده، «موقوف علیه» گفته می شود.

مال موقوفه برای همیشه از تملک خصوصی واقف خارج می شود و خود او و دیگران نمی توانند آن را ببخشند یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی برد

وقف بر دو قسم است:

۱. «وقف خاص»؛ مانند آن که چیزی را برای اولاد خود وقف کند.
۲. «وقف عام»؛ که اختصاص به افراد خاصی ندارد؛ مانند آن که چیزی را برای مسجد، حسینیه، مدرسه و یا فقرا وقف کند.